

بررسی رابطه تعادل منطقه‌ای در توزیع اعتبارات عمرانی دولت با متغیرهای کلان اقتصادی استان‌های کشور (با تأکید بر استان لرستان)

الهام شاداب فر

دکتری اقتصاد

Ecoform121@yahoo.com

علی امرایی

دکتری اقتصاد

aamraei33@gmail.com

مهدى بازگير

کارشناس ارشد اقتصاد

mbazgir485@gmail.com

افزایش رشد اقتصادی و برقراری تعادل منطقه‌ای از اهداف مهم سیاست‌های مالی دولت‌ها محسوب می‌شود که در نحوه توزیع بودجه بین مناطق نمود بازی دارد و هدف این پژوهش بررسی تعادل منطقه‌ای توزیع اعتبارات عمرانی دولت و اثر آن بر متغیرهای کلان اقتصادی از جمله تولید ناخالص داخلی، بیکاری و درآمدهای مالیاتی استان‌های کشور طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ با تأکید بر استان لرستان است. نتایج نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۱ رشد مجموع اعتبارات جاری و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای کشور، ۱۱۵ درصد، اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ۶۰ درصد و اعتبارات جاری ۲۲۰ درصد بودند.

شاخص‌های کلان اقتصادی استان‌های کشور بیانگر آن است که ۱۱ استان کمتر توسعه یافته، فقط ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی و ۶ درصد درآمدهای مالیاتی کشور و سه استان با سطح توسعه یافته‌تری بالاتر، ۳۹.۵ درصد تولید ناخالص داخلی و ۵۶ درصد درآمدهای مالیاتی کشور را دارند. بررسی انجام شده نشان می‌دهد استان‌هایی که در سال‌های بعد از انقلاب و دوران جنگ تحملی از نظر بودجه‌های عمرانی مورد توجه ویژه قرار گرفته‌اند، در حال حاضر از نظر شاخص‌های کلان اقتصادی وضعیت مطلوب‌تری دارند. به طوری که دارای تولید ناخالص داخلی بالاتر، نرخ بیکاری پایین‌تر و درآمدهای مالیاتی بیشتری هستند که نشان می‌دهد افزایش هزینه‌های عمرانی در این استان‌ها با ایجاد یا تکمیل زیرساخت‌ها، موجب حضور مؤثر بخش خصوصی توانمند و نیز جذب سرمایه‌گذاری در استان‌ها می‌شود و لذا رشد اقتصادی را فراهم می‌کند. در مقابل در استان لرستان و استان‌های کمتر توسعه یافته که در آن سال‌ها درگیر جنگ تحملی بوده یا بودجه ضعیف‌تری داشته و زیرساخت‌های لازم در آن‌ها مهیا نشده است، از نظر شاخص‌های کلان اقتصادی وضعیت نامطلوبی دارند. همچنین در سال‌های اخیر عدم امکان سنجی دقیق پژوهش‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و عدم تخصیص به موقع اعتبارات، بازه زمانی پژوهش‌ها و هزینه ساخت و تکمیل آن‌ها را بهشدت افزایش داده و عامل بازدارنده مهمی در استان‌های کمتر توسعه یافته شده است.

واژگان کلیدی: بودجه جاری، بودجه عمرانی، مخارج دولت، رشد اقتصادی، استان‌های کمتر توسعه یافته

۱. مقدمه

بودجه هر کشور مهم‌ترین ابزار دولت در اجرای سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن کشور است. بودجه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای میزان قابل توجهی از سرمایه‌گذاری‌های دولت را تشکیل می‌دهد که از محل بودجه سالیانه به استان‌ها اختصاص می‌یابد. حساسیت رفتار اقتصادی دولت به‌ویژه در تخصیص منابع بین استان‌ها با توجه به درجه عمیق تأثیرگذاری آن بر توسعه منطقه‌ای، بسیار بالا بوده و به همین دلیل همواره مورد توجه اقتصاددانان و سیاست‌گذاران است. اهمیت تخصیص بهینه سرمایه و منابع و تأثیر آن در پیشرفت و توسعه اقتصادی بر کسی پوشیده نیست. به همین دلیل بودجه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در توسعه امور زیربنایی و زیرساخت‌های اقتصادی-اجتماعی نقش مهمی را ایفا می‌کنند. بنابراین نحوه تخصیص بودجه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای بین مناطق مختلف کشور اهمیت فوق العاده‌ای دارد؛ زیرا دستیابی به توسعه پایدار و متوازن در کشور مستلزم محرومیت‌زدایی و ایجاد زمینه‌های رشد و توسعه در این مناطق و از بین بردن تمرکز در مناطق دیگر است.

در تمامی مدل‌های توسعه، دولت مسئول تأمین و عرضه زیرساخت‌ها و خدمات زیربنایی است. دولت‌های توسعه‌ای همواره بخش مهمی از بودجه خود را صرف تأمین شبکه راه‌ها، ارتباطات، انرژی، تحقیقات بنیادی، تأسیسات دفاعی، مسکن، ساختمان، آموزش، بهداشت و درمان می‌کنند. درواقع برای داشتن یک اقتصاد با بهره‌وری بالا باید مجموعه‌ای از کالاهای و خدمات عمومی به عنوان پیش‌نیاز در دسترس باشد تا بخش خصوصی بتواند به فعالیت خود به نحو بهینه ادامه دهد که ایجاد زیرساخت‌ها از جمله این موارد است. حتی در کشورهای پیشرفته مانند آمریکا از جهت امکانات زیربنایی، کاهش سرمایه‌گذاری دولت در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ اثر تعیین‌کننده‌ای در کاهش نرخ رشد آن کشور داشته است.

سرمایه‌گذاری عمرانی دولت مقدمه اصلی برای حضور بخش خصوصی مولد و کارا است. افزایش شدید هزینه‌های جاری و کاهش بودجه‌های عمرانی و عدم رعایت قانون در تهیه و اجرای پروژه‌های عمرانی، طی سالیان دراز، حجم عظیمی از پروژه‌های ناتمام را بر اقتصاد ملی تحمیل کرد و سبب شد تا دوره احداث بسیار طولانی شود. این پدیده تورمی بوده و باعث کندی نرخ رشد می‌شود و بدیهی است که نارضایتی اجتماعی و کاهش مشروعیت و اقتدار سیاسی نیز از ثمرات آن

است. در این راستا چون استان لرستان از نظر زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری جزء محروم‌ترین استان‌های کشور است، در این مورد، نسبت به سایر استان‌ها، دچار آسیب جدی‌تری شده و بر عقب‌افتدگی این استان از قافله توسعه‌یافتنگی تأثیر چشمگیری داشته است؛ لذا در این پژوهش برآئیم که آمار و اطلاعات مربوط به بودجه عمرانی استان‌های کشور را طی چندین سال متوالی تجزیه و تحلیل کرده و سپس رابطه بین بودجه دولت و متغیرهای کلان اقتصادی، از جمله تولید ناخالص داخلی، یکاری، درآمد سرانه و درآمدهای مالیاتی استان‌های کشور با تأکید بر استان لرستان را مورد واکاوی قرار داده و راهکارهای لازم برای جلوگیری از ادامه این روند را ارائه کیم. توزیع بودجه با هدف برابرسازی استانداردهای زندگی در میان استان‌ها انجام می‌گیرد. این توزیع بودجه به منظور تقویت قدرت مالی استان‌های فقیر و محروم است. مردم از استان‌هایی با درآمد کم به استان‌هایی که دستمزدهای بالاتر به آن‌ها پرداخت می‌شود، مهاجرت می‌کنند. اگر دولت فدرال توزیع بودجه را به صورت برابر بین مناطق فقیر و غنی توزیع کند، وجود رابطه مثبت بین انتقالات درونمنطقه‌ای و نابرابری‌های منطقه‌ای باعث می‌شود که تصمیم برای مهاجرت کمتر و نابرابری‌ها کاهش یابد (لسمن^۱ و کاسلر، ۲۰۰۹).

در تحقیق حاضر به بررسی رابطه تعادل منطقه‌ای در تخصیص اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و متغیرهای کلان اقتصادی از جمله تولید ناخالص داخلی، درآمدهای مالیاتی و نرخ یکاری استان‌های کشور پرداخته شد؛ زیرا به نظر می‌رسد محرومیت کنونی استان‌های کمتر توسعه‌یافته با عدم رعایت عدالت منطقه‌ای در توزیع اعتبارات بودجه‌ای و بهویژه اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای بین استان‌های کشور طی سالیان متتمادی ارتباط مستقیمی دارد و به صورت مشخص این معضل خود را در شاخص‌های کلان اقتصادی این استان‌ها، از جمله نامتمايل بودن بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری، نشان می‌دهد.

این تحقیق در چهار بخش تنظیم شده است. پس از بیان کلیات بودجه و پیشینه در بخش دوم به تجزیه و تحلیل اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استان‌های کشور طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۳۹۱ پرداخته می‌شود؛ در بخش سوم اعتبارات جاری در این بازه زمانی تحلیل می‌شود؛ در بخش چهارم

شاخص‌های کلان اقتصادی استان‌ها و ارتباط آن‌ها با اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای واکاوی می‌شود و در بخش آخر، نتایج و پیشنهادهای لازم ارائه خواهد شد.

۲. مفاهیم و اصطلاحات

بودجه: برنامه مالی دولت است که برای یک سال مالی تهیه و حاوی پیش‌بینی درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار و همچنین برآورد هزینه‌ها برای انجام عملیاتی است که منجر به دستیابی به اهداف دولت می‌شود و شامل سه بخش است.

بودجه جاری: منظور اعتباراتی است که در برنامه عمرانی پنج ساله به صورت کلی و در بودجه عمومی دولت به تفکیک برای تأمین هزینه‌های جاری دولت و همچنین هزینه نگهداشت سطح فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی دولت پیش‌بینی می‌شود.

بودجه عمرانی: منظور اعتباراتی است که در برنامه عمرانی پنج ساله به صورت کلی و در بودجه عمومی دولت به تفکیک جهت اجرای طرح‌های عمرانی و همچنین توسعه هزینه‌های جاری مربوط به برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی دولت پیش‌بینی می‌شود.

بودجه شرکت‌های دولتی و بانک‌ها: بودجه مؤسسه‌ای که تحت عنوانی غیر از عناوین فوق در بودجه کل کشور منظور می‌شود.

کسری بودجه: وقتی درآمدهای دولت نتوانند مخارج آن را تأمین کند، بودجه دولت با کسری مواجه می‌شود. اگر کسری بودجه به علت افزایش مخارج دولت باشد با توجه به اینکه این نوع مخارج باعث افزایش تقاضای کل می‌شود، تورم ایجاد می‌شود. اگر کسری بودجه دولت از طریق استقرارضای از بانک مرکزی به صورت انتشار پول صورت گیرد، درنتیجه افزایش بدھی ملی و افزایش تقاضای کل بسیار شدید می‌شود و به علت افزایش نقدینگی، آثار نامساعد اقتصاد از قبیل تورم همراه خواهد شد.

درآمدها

درآمدهای مندرج در قانون محاسبات عمومی تحت سه عنوان تعریف شده‌اند.

درآمد عمومی: عبارت است از درآمدهای وزارت‌خانه‌ها و مؤسسات دولتی و مالیات و سود سهام شرکت‌های دولتی و درآمد حاصل از انحصارات و مالکیت و سایر درآمدهایی که در قانون بودجه کل کشور تحت عنوان درآمد عمومی منظور می‌شود.

درآمد اختصاصی: عبارت است از درآمدهایی که به موجب قانون برای مصرف یا مصارف خاص در بودجه کل کشور تحت عنوان درآمد اختصاصی منظور می‌شود.

درآمد شرکت‌های دولتی: عبارت است از درآمدهایی که در قبال ارائه خدمات و یا فروش کالا و سایر فعالیت‌هایی که شرکت‌های مذکور به موجب قوانین و مقررات مجاز به انجام آن‌ها هستند و عاید آن شرکت‌ها می‌شود.

غیر از درآمدهای عنوان شده، واحدهای امور مالی در حساب‌های خود درآمد دیگری به نام درآمد خصوصی ثبت می‌کنند. وصول این درآمد برای امور مالی دستگاه‌ها جنبه تکلیفی دارد و به موجب آن برای دستگاه‌های دیگر وصول می‌شود و هیچ مقداری از آن در دستگاه مصرف نمی‌شود. برای مثال کسور ۸/۵ درصد بازنشستگی سهم کارکنان تابع قانون استخدام و وصول ۲ درصد کارآموزی از طرح‌های عمرانی از درآمدهای اختصاصی است که امور مالی باستی پس از دریافت به حساب‌های صندوق بازنشستگی سازمان فنی و حرفه‌ای و سازمان تأمین اجتماعی ارسال کند.

تولید ناخالص داخلی: عبارت است از ارزش ریالی کلیه کالاها و خدمات نهایی تولید شده در یک اقتصاد در طول یک سال.

رشد اقتصادی: افزایش تولید ناخالص داخلی یک سال نسبت به سال قبل.

تاریخچه بودجه در جهان

انگلستان: در سال ۱۲۱۵ میلادی مقرر شد که مالیات‌ها و عوارض به تصویب دولت برسد. در سال ۱۳۴۴ میلادی نظارت مجلس بر مخارج عمومی و تصویب درآمدهای و هزینه‌های دولت و سازمان‌های اداری شروع شد. تا سال ۱۶۱۶ میلادی این نظارت‌ها با مخالفت‌هایی مواجه می‌شد، اما در این سال با تصویب لایحه حقوق، حق مزبور تثبیت شد.

فرانسه: پس از انقلاب کبیر و در سال ۱۷۸۹ میلادی حق تصویب مالیات‌ها به مجلس داده شد و حق تصویب و نظارت بر اجرای بودجه در اوایل قرن ۱۹ پیش‌بینی شد.

آمریکا: اولین بودجه به صورت فعلی در سال ۱۹۱۴ میلادی پیشنهاد شد.

تاریخچه بودجه در ایران

در ایران و قبل از انقلاب مشروطیت هر شهرستان جداگانه بودجه‌ای داشت که به وسیله مستوفیان (مأموران وصول خزانه و حسابداران) زیر نظر وزیر مالیه تنظیم می‌شد. در مرکز کشور نیز بودجه‌ای تهیه می‌شد. بودجه لشکر و قشون به صورت جدا از سایر ارکان دولت تصویب می‌شد و درنهایت به تصویب پادشاه می‌رسید. با انقلاب مشروطیت (۱۲۸۵) و تدوین اولین قانون اساسی وضع مالیات و تصویب بودجه در صلاحیت مجلس شورای ملی قرار گرفت.

در ایران اولین بودجه به مفهوم امروزی را مرحوم صنیع‌الدوله هدایت وزیر مالیه وقت در سال ۱۲۸۹ تهیه کرد ولی وی قبل از تقدیم بودجه به مجلس ترور شد و وزیر بعدی بودجه تهیه شده را به نام او به مجلس پیشنهاد کرد. در این بودجه که عمدت‌ترین بخش آن را مالیات بخش کشاورزی تشکیل می‌داد، درآمد ۱۶۰ ریالی و هزینه ۱۴۶ ریالی و ۱۸۰ ریالی پیش‌بینی شده بود. بدین ترتیب اولین بودجه پیشنهادی ایران از کسری بودجه به میزان ۲۰۰۰ ریالی برخوردار بود.

این بودجه به تصویب مجلس نرسید و بعدها نیز بودجه‌ای پیشنهاد نشد و در صورت پیشنهاد شدن نیز، به تصویب مجلس نمی‌رسید. اولین بودجه‌ای که مجلس تصویب کرد، مربوط به سال ۱۳۰۲ است که در خرداد ۱۳۰۲ به تصویب مجلس رسید. روش صنیع‌الدوله تا سال ۱۳۲۰ که درآمدهای نفتی به بودجه تزریق شد، ادامه پیدا کرد و بعد از آن به صورت دیگری تدوین شد.

۳. پیشینه تحقیق

۱-۳. مطالعات داخلی

منظري حصار (۱۳۸۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «الگویی برای تخصیص اعتبارات محرومیت‌زدایی» به ارائه مدلی ریاضی برای بهینه‌سازی تخصیص اعتبارات محرومیت‌زدایی به شهرستان‌های استان پرداخت. در این مقاله ضمن توجه و تعیین اهمیت و وزن شاخص‌های توزیع اعتبار عمرانی استانی به شهرستان‌های استان، فاصله وضع موجود هر شهرستان تا وضع ایدئال تعیین شد.

جدیدی میاندشتی (۱۳۸۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «توزیع متعدد منابع مالی به روش سطح‌بندی توسعه مناطق» به ارائه روشی برای توزیع بودجه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای با توجه به تفاوت‌های استانی با چهار رویکرد پرداخت. تمرکز زدایی حکم می‌کند که توزیع اعتبارات در بین شهرستان‌های استان، توسط نهاد استانی انجام شود و کنترل توزیع و نحوه استفاده از آن بر اساس ضوابطی یکسان در کشور به شکل متصرکز انجام شود. نتایج نشان می‌دهد که حجم اعتبارات با ضرایب مشخص شده ارتباط نداشته است.

دلاوری و بصیر (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر بی‌ثباتی اقتصادی و کسری (مازاد) بودجه بر رشد اقتصادی ایران» به بررسی تأثیر بی‌ثباتی اقتصادی و کسری بودجه بر رشد اقتصادی ایران طی دوره (۱۳۸۵-۱۳۵۲) پرداخته اند و برای تبیین آماری آن از مدل هم‌جمعی و تصحیح خطای برداری (VECM) استفاده کرده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد تأثیر نسبت کسری بودجه واقعی دولت به GDP، بر رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت و بلندمدت منفی و معنادار بوده است.

رجی (۱۳۹۱) پژوهشی تحت عنوان «برنامه‌ریزی آرمانی، رویکردی اثربخش در بودجه‌ریزی و تخصیص بهینه منابع مالی (مطالعه موردی: تخصیص بودجه وزارت بهداشت و درمان به استان‌های کشور» انجام داد. در این مطالعه برای تخصیص بهینه بودجه به استان‌های کشور، ابتدا به وسیله شاخص‌سازی، موقعیت هر استان نسبت به سایر استان‌ها تعیین شد؛ سپس با توجه به اولویت‌های مورد نظر، الگوی تخصیص بودجه، با روش برنامه‌ریزی آرمانی طراحی و بر این اساس بودجه سالانه این وزارت بهداشت و درمان به استان‌های کشور تخصیص داده می‌شود.

صادقی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رابطه بلندمدت بین مخارج آموزشی، بهداشتی، امنیت و رفاه اجتماعی و رشد اقتصادی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی» با بهره‌گیری از مدل رشد درون زا تأثیر ترکیب مخارج دولت بر رشد اقتصادی ۵۷ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی طی سال‌های ۱۹۷۰-۲۰۱۰ را بررسی می‌کند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که مخارج آموزشی و رفاه اجتماعی تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه دارد.

غلامی و هژبر کیانی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی موقعیت چرخه تجاری در ایران و تأثیر آن بر کارایی برنامه‌های محرك مالی و سرمایه‌گذاری» آثار موقعیت چرخه تجاری بر کارایی برنامه‌های محرك مالی و سرمایه‌گذاری در ایران را بررسی کردند. بدین منظور، در ابتدا ادوار

تجاری با استفاده از روش فیلترینگ هودریک-پرسکات و داده‌های سال‌های ۱۳۳۸ الی ۱۳۹۱ را استخراج کردند؛ سپس اثرات شوک‌های برنامه‌های محرک مالی (افزایش مخارج دولت و کاهش مالیات) بر رشد اقتصادی با استفاده از الگوی VAR استان‌های شامل سه متغیر تولید ناخالص داخلی، مخارج دولت و مالیات با فرض مالیات ناهمسانی جملات اختلال در دو رژیم مذکور و استخراج توابع عکس العمل آنی و تجمعی را بررسی کردند. نتایج بیانگر این است که کارایی برنامه‌های محرک مالی دولت به موقعیت چرخه تجاری وابسته است. به طوری که برنامه محرک مالی به صورت افزایش مخارج دولت و کاهش مالیات به ترتیب در رکود و رونق کاراتر هستند.

محنت‌فر (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اثر مخارج دولت بر سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران» به بررسی اثر مخارج دولت بر سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران پرداخته است. نتایج حاصل از به کارگیری روش هم‌جمعی جوهانسون و الگوی تصحیح خطای دوره (۱۳۹۱-۱۳۳۸) بیانگر این است که سرمایه‌گذاری دولتی اثر مثبت و مخارج مصرفی دولت اثر منفی و معناداری بر سرمایه‌گذاری خصوصی داشته است.

حقیقت و محرم جودی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر شوک مخارج دولتی بر رشد تولید ناخالص داخلی در ایران» با بهره‌گیری از الگوی خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی به بررسی تأثیرات شوک مخارج دولتی بر تولید ناخالص داخلی در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۵۰ پرداختند و به این نتیجه رسیدند که تأثیر شوک مخارج دولتی جاری بر تولید ناخالص داخلی معنادار نیست. در حالی که شوک مخارج دولتی با یک وقفه، دارای تأثیر مثبت و معنادار بر GDP است. ضریب جمله تصحیح خطای منفی و معنادار بوده و نشان می‌دهد در صورت وارد شدن شوک و انحراف از تعادل، در هر دوره ۱۲ درصد از عدم تعادل کوتاه‌مدت برای رسیدن به تعادل بلندمدت تعديل می‌شود. پیشنهاد می‌شود دولت مخارج خود را بیش از حد بالا نبرد؛ زیرا این امر باعث ایجاد رابطه معکوس بین اندازه مخارج دولت و تولید ناخالص داخلی شده و رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد.

۲-۳. مطالعات خارجی

یامانو و اکاوارا^۱ (۲۰۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «تخصیص منطقه‌ای سرمایه‌گذاری عمومی: کارایی یا تساوی؟» اثر سرمایه‌گذاری عمومی بر روی اقتصاد منطقه‌ای برای ۴۷ استان ژاپن با استفاده از داده‌های سری زمانی طی دوره ۱۹۷۰-۱۹۹۴ را مورد آزمون قرار دادند. آن‌ها تبادل بین تخصیص کارآمد و عادلانه سرمایه‌گذاری عمومی را شرح می‌دهند. نتایج نشان می‌دهد سیاست مؤثر برای تخصیص بودجه بر این اساس است که استان‌های که GDP آن‌ها بالاتر است، سرمایه بیشتری به آن‌ها تعلق می‌گیرد؛ چرا که بهره‌وری نهایی سرمایه در این استان‌ها افزایش یافته است. در حالی که در استان‌های کمتر توسعه یافته کاهش پیدا کرده است.

لیسمان و کاسلر (۲۰۰۹)^۲ در مقاله‌ای تحت عنوان «توزیع مجدد و نابرابری منطقه‌ای» توزیع بودجه را با استفاده از اطلاعات بین کشورها و داده‌های پانل برای کشورهای OECD طی دوره ۲۰۰۰-۱۹۸۲ آزمون قرار داده‌اند. توزیع بودجه با هدف برابرسازی استانداردهای زندگی در میان استان‌ها انجام می‌گیرد. این توزیع بودجه به منظور تقویت قدرت مالی استان‌های فقیر و محروم است. در این مقاله یک مدل ارائه می‌شود که اگر توزیع بودجه به صورت برابر انجام نگیرد، مردم از استان‌هایی با درآمد کم به استان‌هایی که دستمزدهای بالاتر به آن‌ها پرداخت می‌شود، مهاجرت می‌کنند. اگر دولت فدرال توزیع بودجه را به صورت برابر بین مناطق فقیر و غنی توزیع کند، تصمیم برای مهاجرت کمتر و نابرابری‌ها کاهش می‌یابد. نتایج نشان می‌دهد که رابطه مثبت بین انتقالات درون منطقه‌ای و نابرابری‌های منطقه‌ای وجود دارد.

سول اوله^۳ (۲۰۰۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «توزیع مجدد بین منطقه‌ای از طریق سرمایه‌گذاری زیرساخت‌ها: تاکتیکی یا برنامه‌ای» معادله‌ای با استفاده از داده‌های پنل برای کشور اسپانیا در طول دوره ۲۰۰۴-۱۹۶۴ تخمین زده است. متغیرهایی که در این پژوهش استفاده شده است به دو متغیر اقتصادی و سیاسی تقسیم می‌شود، متغیرهای اقتصادی شامل درآمد سرانه، تولید ناخالص سرانه، وضعیت جغرافیایی و متغیرهای سیاسی شامل، احزاب منطقه‌ای، رأی حاشیه و حاشیه قیمت هستند.

1. Yamano & Ohkawara

2. Lessmann & Kasler

3. Solle-Olle

نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که در این کشور سیاست تاکتیکی معیار توزیع بودجه است و مناطقی از بودجه سهم بیشتری را دارند که دارای قدرت سیاسی بیشتری هستند.

عبدالرحمان^۱ (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «رابطه بین کسری بودجه و رشد اقتصادی مالزی طی دوره (۲۰۰۰-۲۰۱۲)^۲» از مدل خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) برای تحلیل اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت کسری بودجه و رشد اقتصادی استفاده کرد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد کسری بودجه در کوتاه‌مدت و بلندمدت اثر منفی و معناداری بر رشد اقتصادی مالزی دارد.

محمودزاده و همکاران (۲۰۱۳) در مقاله‌ای به «بررسی مقایسه‌ای اثرات برونو رانی مخارج مالی در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته» پرداخته‌اند. نتایج حاصل از به کار گیری روش داده‌های تابلویی در دوره (۲۰۰۹-۲۰۰۰) بیانگر این است که کشش مخارج سرمایه گذاری خصوصی نسبت به مخارج سرمایه گذاری دولت در هر دو گروه از کشورها مثبت است.

صبرا^۳ (۲۰۱۶) با بهره گیری از روش داده‌های تابلویی پویا و تخمین زننده گشتاور تعیین یافته به «بررسی تأثیر مخارج دولت بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا» طی سال‌های ۱۹۷۷-۲۰۱۳ می‌پردازد. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد بین مخارج دولت و رشد اقتصادی رابطه غیرخطی برقرار بوده و افزایش بیش از حد مخارج دولت تأثیر منفی و معنی‌دار بر رشد اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه دارد.

۴. ادبیات موضوع

۴-۱. پیامدهای کاهش اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای

عدم تحقق بودجه عمرانی پیامدهای نامطلوبی را به همراه دارد که از جمله می‌توان به طولانی شدن زمان ساخت پروژه‌های عمرانی، افزایش هزینه ساخت با طولانی شدن زمان ساخت، کاهش بهره‌وری، کاهش عمر مفید پروژه‌ها، اتلاف منابع و... اشاره کرد. اثرات اقتصادی کاهش اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و عدم تخصیص به موقع آن به شرح ذیل است.

1. AbdRahman
2. Sabra

کاهش رشد اقتصادی: مهم‌ترین تأثیر کاهش بودجه عمرانی روی اشتغال و رشد اقتصادی است. به طوری که سرمایه‌گذاری روی طرح‌های عمرانی می‌تواند چرخ اقتصاد را با کمترین عوارض منفی به گردش دربیاورد و در مقابل، عدم رونق طرح‌های عمرانی موجب تشدید رکود اقتصادی شود. **توقف یا کاهش تولید در صنعت و خدمات:** با تعطیلی و رکود طرح‌های عمرانی، واحدهای زیادی از صنایع مختلف مخصوصاً در مقیاس‌های کوچک و متوسط تعطیل یا با کاهش چشمگیر ظرفیت تولیدی رو به رو شده‌اند. برای مثال ۳۰۰ صنعت کوچک و بزرگ از سیمان و گچ و در و پنجره گرفته تا صنعت فولاد، صنعت مصنوعات فلزی، صنعت ماشین‌سازی، صنعت تجهیزات و ابزارسازی، صنعت تجهیزات برقی و... با رکود ساخت‌وساز دچار کاهش تولید می‌شوند.

افزایش بیکاری و نابودی شاغلان فصلی: زنجیره به هم پیوسته مشکلات ناشی از رکود طرح‌های عمرانی در حالی است که مرکز پژوهش‌های مجلس در سال ۱۳۹۵ در گزارشی بیان می‌کند که با ادامه روند فعلی (مشکلات مربوط به رشد اقتصادی و رکود)، آمار بیکاران تا سال ۱۴۰۰ به ۱۱ میلیون نفر خواهد رسید.

سوق دادن جریان نقدینگی به بخش‌های غیرمولد: با رکود طرح‌های عمرانی جریان نقدینگی به بخش‌های غیرمولدی چون طلا و سکه، بازار ارز، سوداگری در بخش مسکن و زمین و... وارد می‌شود.

ورشکستگی مالی پیمانکاران: عدم وصول مطالبات موجب ورشکستگی کامل شرکت‌های پیمانکاری و شرکت‌های مهندسین مشاور می‌شود. فرسودگی و راکد ماندن سرمایه هنگفتی در قالب ماشین‌آلات سنگین و تجهیزات اجرای طرح‌های عمرانی نیز از دیگر ضررها بیی است که پیمانکاران در دوره رکود طرح‌های عمرانی متحمل می‌شوند.

۴- ضرورت و اهمیت پژوهش

سرمایه‌گذاری عمرانی دولت مقدمه اصلی برای حضور بخش خصوصی مولد و کاراست. افزایش شدید هزینه‌های جاری و کاهش بودجه‌های عمرانی و عدم رعایت قانون در تهیه و اجرای پروژه‌های عمرانی، طی سالیان دراز، حجم عظیمی از پروژه‌های ناتمام را بر اقتصاد ملی تحمل کرده و سبب شده است تا دوره احداث، بسیار طولانی شود. این پدیده، تورمی بوده و باعث کندی نرخ رشد است؛ و بدیهی است که نارضایتی اجتماعی و کاهش مشروعيت و اقتدار سیاسی نیز از

ثمرات آن است. در این راستا چون استان لرستان از نظر زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری جزء محروم‌ترین استان‌های کشور است، از این موضوع دچار آسیب جدی‌تری نسبت به سایر استان‌ها شده و بر عقب‌افتدگی این استان از قافله توسعه‌یافته‌گی تأثیر چشمگیری داشته است. لذا در این پژوهش برآئیم که آمار و اطلاعات مربوط به بودجه عمرانی استان‌های کشور را طی چندین سال متوالی تجزیه و تحلیل کنیم و سپس رابطه بین بودجه دولت و متغیرهای کلان اقتصادی از جمله تولید ناخالص داخلی، بیکاری، درآمد سرانه و درآمدهای مالیاتی استان‌های کشور با تأکید بر استان لرستان را مورد واکاوی قرار داده و راهکارهای لازم جهت جلوگیری از ادامه این روند را ارائه کنیم.

۵. اعتبارات عمرانی استان‌های کشور

دولت از دو منبع برای اجرای طرح‌های عمرانی هزینه می‌کند؛ اول، درآمد حاصل از صادرات نفت و دوم، درآمد حاصل از مالیات و سایر درآمدها. متأسفانه آمارهای در دسترس نشان می‌دهد از سال ۱۳۸۰ به بعد، صدها طرح عمرانی منابع دوگانه را به خود اختصاص داده‌اند، ولی به نتیجه نرسیده‌اند و سودشان به مردم برنگشته است. این اتفاق موجب شده پول مردم در طرح‌های عمرانی ناتمام هزینه شود. مزیت‌های اجرای طرح‌های عمرانی، رونق اقتصادی و توسعه سرمایه‌گذاری، ایجاد تقاضا برای خدمات بخش خصوصی و ایجاد اشتغال است. بر اساس برآورد بانک جهانی هر ۱۰ درصد افزایش در دارایی‌های زیرساختی، ۱ درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی را در دارد.

متأسفانه طی سال‌های اخیر به دلیل کاهش قیمت جهانی نفت، درآمدهای نفتی ایران نیز کاهش فراوانی داشته است؛ بنابراین درآمدهای نفتی طبق پیش‌بینی‌های انجام‌شده تحقق نیافت. از سویی دیگر، به دلیل مشکلات اقتصادی موجود و افت بسیاری از کسب و کارها تحت تأثیر تحریم‌های اقتصادی، درآمدهای دولت از محل مالیات‌ها نیز طبق پیش‌بینی‌ها پیش نرفت و بنابراین درآمدهای دولت از میزان پیش‌بینی شده بسیار کمتر رقم خورد. از این رو اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای همه استان‌های کشور نیز کاهش یافت.

در جدول زیر، اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استان‌های کشور طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸، رشد آن، سهم و رتبه هر یک از استان‌ها داده شده است.

بررسی رابطه تعادل منطقه‌ای در توزیع اعتبارات...

۱۵۹

جدول ۱. اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استان‌های کشور طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۳۹۱
(میلیارد ریال)

استان	رتبه	سهم اعتبارات تملک کشور در سال ۹۸	درصد رشد								استان
			۹۸	۹۷	۹۶	۹۵	۹۴	۹۳	۹۲	۹۱	
کشور	-	-	۵۹.۹	۱۲۰.۸۵۶	۱۰۹.۱۴۴	۱۳۹.۹۱۳	۷۱۰۰۰	۵۴.۴۵۰	۶۱۰۲۷	۷۵.۵۹۳	
مرکزی	۲۵	۱.۵	۲۵.۳	۱۸۵۲	۱۶۸۱	۲.۵۵۸	۱.۴۷۰	۱.۱۱۹	۱.۱۳۰	۱.۴۷۸	
گیلان	۱۷	۲.۴	۲۳.۲	۲.۹۴۶	۲.۷۴۹	۴.۱۰۰	۲.۱۷۰	۱.۶۷۳	۱.۷۲۹	۲.۲۱۱	
مازندران	۱۴	۲.۸	۲۰.۸	۲.۸۲۸	۲۸۴	۵.۶۵۲	۳.۰۱۰	۲.۴۲۱	۲.۳۱۴	۲.۶۲۱	
آذربایجان شرقی	۱۱	۳.۰	۲۰.۴	۲.۶۷۹	۳.۲۸۴	۵.۲۰۱	۲.۹۷۵	۲.۱۶۴	۲.۳۱۱	۲.۸۲۳	
آذربایجان غربی	۷	۴.۹	۱۰.۶۷	۵.۹۱۱	۵.۷۴۷	۵.۵۷۹	۳.۵۲۰	۱.۹۷۷	۲.۱۸۸	۲.۸۵۹	
کرمانشاه	۱۶	۲.۵	۱۷.۹	۲.۹۶۹	۲.۷۳۴	۴.۰۱۸	۱.۹۶۰	۱.۵۴۸	۱.۶۹۹	۲.۵۱۹	
خوزستان	۱	۱۵.۶	۱۲۶.۷	۱۸۰۷۵	۱۸۰۳۶	۱۵۰۶۰	۵.۹۵۰	۴.۹۷۵	۶.۳۸۴	۸.۳۲۵	
فارس	۳	۵.۶	۶۰.۳	۶۰۸۱۶	۶۰۱۳۸	۹.۳۲۶	۴.۶۸۳	۳.۶۲۷	۴.۱۳۵	۴.۲۵۳	
کرمان	۶	۵.۱	۸۶.۶	۶۰۲۱۱	۶۰۱۵۳	۶.۶۲۴	۳.۰۱۵	۲.۴۶۰	۲.۷۰۳	۳.۳۲۸	
خراسان رضوی	۵	۵.۴	۴۲.۶	۶۰۵۳۲	۵۶۸۲	۷.۹۲۵	۴.۰۶۰	۳.۲۰۴	۳.۵۵۷	۴.۵۸۰	
اصفهان	۱۰	۳.۱	۲۰.۲	۳.۷۰۹	۳.۳۰۹	۵.۰۱۸	۳.۰۱۰	۲.۲۴۰	۲.۳۹۰	۳.۰۸۵	
هرمزگان	۶	۳.۵	۸۶.۶	۴.۰۱۲	۳.۸۴۲	۵.۳۴۰	۲.۴۵۰	۱.۹۱۵	۲.۳۰۵	۲.۲۵۷	
سیستان و بلوچستان	۲	۹.۷	۱۰۷.۵	۸.۰۱۰	۷۸۲۵	۸۴۵	۳.۵۰۰	۲.۸۳۵	۳.۳۲۶	۳.۹۲۸	
کردستان	۱۲	۳.۰	۷۱.۵	۳۶۱۳	۳۰۴۳۹	۴.۲۰۸	۱.۶۸۰	۱.۳۵۷	۱.۵۶۱	۲.۱۰۷	
همدان	۲۳	۱.۶	۱۳.۲	۱.۹۴۹	۱۸۲۲	۲.۸۴۳	۱.۱۳۰	۱.۰۰۶	۱.۰۶۶	۱.۷۲۱	
لرستان	۱۳	۲.۹	۳۴.۴	۳۵۰۹	۳۰۱۷۲	۴.۸۹۶	۲.۳۱۰	۱.۸۱۴	۱.۹۱۷	۲.۶۱۲	
ایلام	۱۸	۲.۲	۵۷.۷	۲.۶۲۹	۲.۰۴۲	۳.۰۲۰	۱.۰۹۵	۱.۰۱۱	۱.۱۸۹	۱.۶۶۷	
زنجان	۲۴	۱.۶	۲۱.۰	۱.۹۰۷	۱.۷۶۴	۲.۶۰۹	۱.۱۹۰	۹۰۸	۹۹۹	۱۵۷۶	
چهارمحال و بختیاری	۲۷	۱.۴	۳۶.۲	۱.۶۶۷	۱.۵۰۰	۲.۵۰۵	۱.۰۵۰	۷۵۴	۸۰۶	۱.۲۲۴	
کهگیلویه و بویراحمد	۹	۳.۲	۱۰۹.۳	۳۸۱۶	۳۶۱۱	۴.۰۴۳۶	۱.۷۸۵	۱.۳۹۲	۱.۵۰۴	۱.۸۲۳	
سمنان	۳۰	۱.۱	۲۳.۶	۱.۰۴۶	۱.۰۲۰	۲.۰۱۰	۱.۰۸۵	۷۴۶	۷۳۶	۱۰۰۹	
پیزد	۲۶	۱.۵	۴۲.۵	۱۰۲۴	۱۰۱۵	۲.۰۴۳۳	۱.۰۲۲۵	۹۱۶	۹۲۵	۱۰۲۸۷	
بوشهر	۴	۵.۶	۹۱.۲	۹۰۷۷	۵۵۹۶	۸.۹۴۲	۲.۵۷۰	۲.۹۳۱	۴.۰۸۶	۳.۵۴۵	
تهران	۱۵	۲.۶	۱۲.۰	۲.۰۶۳	۲.۶۴۹	۴.۶۴۷	۲.۰۱۵	۲.۵۶۳	۲.۰۲۸۹	۲.۸۲۶	
اردبیل	۲۲	۱.۶	۴۰.۸	۱.۹۹۲	۱۸۱۳	۳.۰۳۸	۱.۴۰۰	۱.۰۳۳	۱.۱۰۷	۱.۴۱۵	

ادامه جدول ۱. اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استان‌های کشور طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۳۹۱
(میلیارد ریال)

استان	رتبه	سهم اعتبارات تملک کشور در سال ۹۸	درصد رشد تملک ۹۸	استان							
				۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱
قم	۳۱	۱.۱	۲۰.۹	۱,۳۴۳	۱,۳۲۳	۱,۸۷۷	۱,۱۲۰	۸۸۸	۸۲۹	۱,۱۱۰	
قزوین	۲۸	۱.۳	۱۸.۴	۱,۵۲۶	۱,۵۷۴	۲,۲۰۶	۱,۱۵۵	۸۸۲	۹۰۳	۱,۲۸۹	
گلستان	۲۰	۲.۱	۴۶.۱	۲,۴۸۵	۲,۳۴۱	۳,۵۹۶	۱,۶۱۰	۱,۲۹۱	۱,۳۴۵	۱,۷۰۱	
خراسان شمالی	۲۱	۱.۸	۵۳.۸	۲,۱۱۸	۱,۹۴۶	۳,۱۶۵	۱,۳۶۵	۱,۱۲۶	۱,۲۵۲	۱,۳۷۷	
خراسان جنوبی	۱۹	۲.۱	۶۱.۶	۲,۴۸۶	۲,۳۱۲	۳,۹۴۶	۱,۵۴۷	۱,۱۴۲	۱,۳۹۲	۱,۵۳۹	
البرز	۲۹	۱.۲	-۰.۸	۱,۴۰۴	۱,۲۰۷	۲,۰۸۸	۱,۲۶۰	۹۶۴	۹۵۲	۱,۴۱۶	

مأخذ: قانون بودجه کل کشور

میزان اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای کشور در سال ۱۳۹۱ مبلغ ۷۵۵۹۳ میلیارد ریال بوده که با رشد ۶۰ درصدی به مبلغ ۱۲۰۸۵۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۸ افزایش یافته است. این در حالی است که بودجه جاری دولت در این مدت بیش از ۲۲۰ درصد رشد داشته است. دلیل رشد هزینه‌های جاری این است که طبق روال، به محض کسری بودجه، بخش عمرانی قربانی بخش جاری می‌شود و دولت به اصلاح بودجه می‌پردازد. البته راهکارهایی برای جلوگیری از این کار وجود دارد. یکی از راهکارهای حل این معضل، واگذاری پروژه‌های عمرانی به بخش خصوصی در قالب مشارکت عمومی و خصوصی و احتمالاً جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. این راهکار سبب می‌شود تا علاوه بر رونق اقتصادی و توسعه بخش خصوصی، این بودجه از محل درآمدهای دولتی به مرور حذف شده و از طریق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و حتی سرمایه‌گذاری خارجی تأمین شود که باز هم در استان‌های توسعه‌یافته مورد استقبال قرار می‌گیرد؛ اما استان‌های کمتر توسعه‌یافته نظیر لرستان به دلیل عدم وجود زیرساخت‌ها مانند حمل و نقل ریلی و جاده‌ای مناسب، پروازهای هوایی منظم و غیره، عدم وجود صنایع مادر و درنتیجه عدم شکل‌گیری زنجیره‌های تولیدی و خوشه‌های صادراتی، کمبود منابع مالی و اعتباری جهت پرداخت تسهیلات به سرمایه‌گذاران و همچنین در نظر نگرفتن معافیت‌ها و مشوقهای ویژه جهت جذب سرمایه‌گذاران در این استان‌ها، علی‌رغم برخورداری از منابع طبیعی و موهبت‌های خدادادی اقبالی برای جلب توجه بخش خصوصی ندارند. بالاترین رشد اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای طی سال‌های مورد بررسی در بین استان‌های کشور مربوط به استان خوزستان بوده که از مبلغ ۸۳۲۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۱ با

۱۲۷ درصد رشد به مبلغ ۱۸۸۷۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۸ رسیده و به تنهایی ۱۵.۶ کل اعتبارات

تملک دارایی‌های سرمایه‌ای کشور را به خود اختصاص داده است.

پایین‌ترین رشد اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در بین استان‌های کشور مربوط به استان

البرز بوده که با رشد منفی ۰.۸ درصدی از مبلغ ۱.۴۱۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۱ به مبلغ ۱.۴۰۴

میلیارد ریال در سال ۱۳۹۸ کاهش یافته است.

کمترین اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای کشور با سهم ۱.۱ درصد متعلق به استان‌های قم و سمنان است.

بیشترین اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای کشور با سهم ۲۲.۳ درصد متعلق به استان‌های

خوزستان و سیستان و بلوچستان است. میزان اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استان لرستان در

سال ۱۳۹۱ مبلغ ۲۶۱۱ میلیارد ریال بوده که با ۳۴.۴ درصد رشد به مبلغ ۳۵۰۹ میلیارد ریال در سال

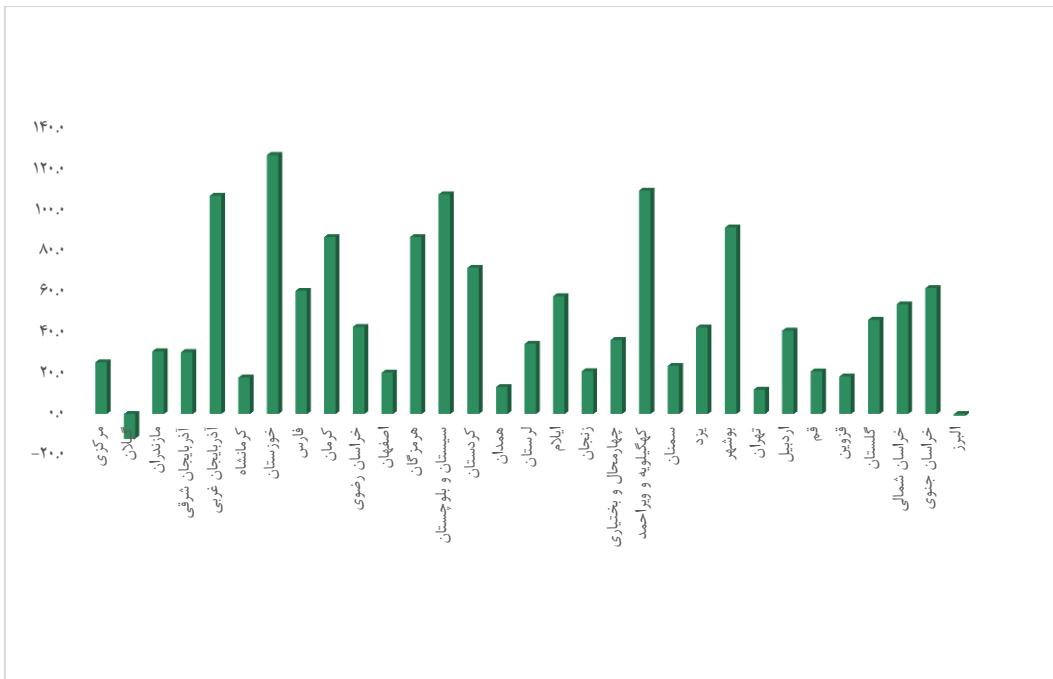
۱۳۹۸ رسیده و در رتبه ۲۵ ام استان‌های کشور قرار دارد. در حالی که میانگین رشد این نوع

اعتبارات در کشور حدود ۶۰ درصد بوده است و استان خوزستان که دارای بالاترین رشد این

اعتبارات است، چهار برابر لرستان رشد داشته است که اجحاف مسلم در حق این استان است. این

موضوع باعث راکد ماندن پروژه‌های زیرساختی استان شده و موجب شده تا وضعیت شاخص‌های

کلان اقتصادی استان از وضعیت مطلوب بیش از پیش فاصله بگیرند.



نمودار ۱. مقایسه رشد اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۱

کمبود اعتبارات بودجه‌ای در سال‌های گذشته باعث تزریق بودجه قطره‌چکانی به پروژه‌های انبوه نیمه تمام شده که طولانی شدن دوره ساخت این پروژه‌ها را به دنبال داشته است. طبق آمارها حدود ۶۵ درصد از طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ملی در زمان‌بندی خود به اتمام نرسیده و طول دوره ساخت این طرح‌ها به ۱۲ سال افزایش یافته است.

هر چند از ابتدای دولت یازدهم رویکرد تازه‌ای برای تخصیص اعتبارات عمرانی بر اساس اولویت‌بندی طرح‌ها و پیشرفت فیزیکی آن‌ها اعمال شد، اما به دلیل بالا بودن تعداد پروژه‌های نیمه تمام، همچنان اقتصاد ملی و بودجه درگیر مصائب این بخش است.

۶. بررسی مقایسه‌ای اعتبارات حاری استان‌های کشور

۶-۱. اعتبارات حادی

پس از تشدید تحریم‌های نفتی و حذف نفت از بودجه، تحقق آرمان اقتصاد بدون نفت در صدر اولویت‌های کشور قرار گرفت. در این راستا مطالب و مباحث مختلفی در محافل علمی، رسانه‌ای و سیاست‌گذاری مطرح شد. یکی از این موضوعات ضرورت صرفه‌جویی در هزینه‌های دولت و

کاهش هزینه‌ها متناسب با کاهش درآمدهای نفتی است، اما به نظر می‌رسد تحقق این امر چندان آسان و ممکن نیست.

هزینه‌های دولت نشان می‌دهد که ماهیت آن‌ها به گونه‌ای است که چسبندگی به پایین دارند و در کوتاه‌مدت نمی‌توان کاهش قابل ملاحظه‌ای در آن‌ها ایجاد کرد؛ اما مروری بر انواع هزینه‌های دولت صحت آن را به راحتی اثبات می‌کند.

در دو دهه اخیر همواره ۶۰ تا ۷۰ درصد از کل هزینه‌های دولت مربوط به هزینه‌های جاری بوده است. هزینه‌های جاری دولت نیز در هفت فصل دسته‌بندی می‌شود که دو فصل جبران خدمت کارکنان (حقوق و دستمزد) و رفاهی به‌تهایی بیش از بیشترین سهم از هزینه‌های جاری را به خود اختصاص داده‌اند. این دو فصل نیز همه‌ساله رشد دارند و امکان کاهش حقوق و یا مخارج رفاهی وجود ندارد؛ بنابراین دولت تنها در یک سوم هزینه‌های جاری خود می‌تواند صرفه‌جویی کند که قطعاً رقم بالای نخواهد بود.

در مورد صرفه‌جویی در هزینه‌های عمرانی نیز باید توجه داشت که در سال‌های اخیر بخش قابل توجهی از این هزینه‌ها به صورت اوراق پرداخت شده و دولت با انتشار اوراق خزانه و بدھی این بخش را پیش برده و پولی بابت آن پرداخت نکرده است؛ بنابراین صرفه‌جویی در این بخش نیز کمکی به دولت نخواهد کرد. به این نکته هم باید توجه کرد که بودجه عمرانی در سال‌های اخیر، ۱۰ تا ۱۵ درصد اعتبار لازم برای اتمام طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام بوده که در عمل در اکثر سال‌ها نیز به طور کامل تخصیص داده نشده است.

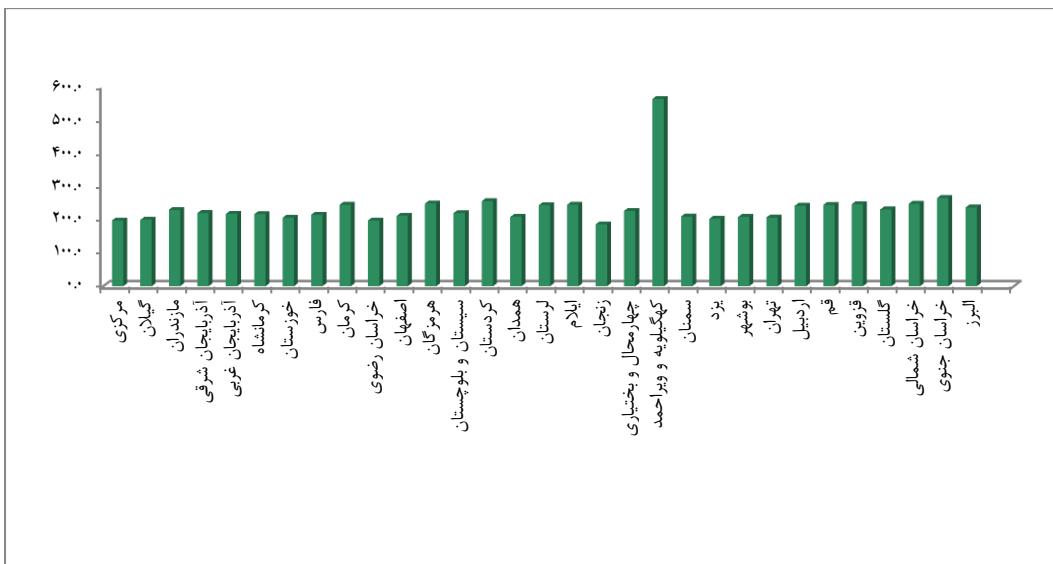
بنابراین عملاً امکان کاهش هزینه‌های دولت در کوتاه‌مدت وجود ندارد و از این طریق نمی‌توان به تحقق بودجه بدون نفت کمک کرد، لذا به جای پرداختن به کاهش هزینه‌های دولت باید به کاهش تصدیگری دولت، واگذاری امور به بخش خصوصی و افزایش درآمدهای مالیاتی معطوف بود که در این راستا جهت برنامه‌ریزی در آینده، باید از هم‌اکنون از تکرار اشتباہات گذشته و عدم توازن در توزیع (به‌ویژه اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای) جلوگیری کرد. در جدول زیر اعتبارات جاری استان‌های کشور طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۳۹۱، رشد، سهم و رتبه استان در بین استان‌های کشور داده شده است.

جدول ۲. میزان اعتبارات جاری کشور از سال ۱۳۹۸ تا ۱۳۹۱ استان‌های کشور (میلیارد ریال)

مأخذ: سالنامه‌های آماری

میزان اعتبارات جاری کشور از رقم ۳۹۸۲۰ میلیارد ریال در سال ۱۴۹۱ با رشد فراینده ۲۲۰ درصدی به رقم ۱۲۷۵۲۳ میلیارد ریال رسیده است. بالاترین میزان اعتبارات جاری کشور مربوط به استان‌های تهران، فارس و خراسان رضوی بوده است. جبران خدمات کارکنان، یارانه‌ها، رفاه اجتماعی و کمک‌های بلاعوض بخش اعظمی از اعتبارات هزینه‌ای دولت در سال را تشکیل می‌دهد. به بیان دیگر قسمت اعظمی از اعتبارات هزینه‌ای دولت صرف پرداخت حقوق و دستمزد افراد شاغل، بازنیسته و سیاست‌های حمایتی می‌شود (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۵) این روند در سال‌های گذشته نیز وجود داشته و بخش کلانی از بودجه عمومی دولت را اعتبارات هزینه‌ای تشکیل داده است. در حالی که اعتبارات هزینه‌ای اگر صرف آموزش شود، می‌تواند بر نرخ رشد اقتصادی و سایر شاخص‌های کلان تأثیر مثبت داشته باشد. با توجه به حجم بالای بودجه جاری، دولت در سال‌های گذشته همواره با کسری تراز عملیاتی موافق بوده و برای جبران این کسری از مازاد ترازهای سرمایه و تراز مالی استفاده کرده است (کردبچه، ۱۳۹۲) بدین معنا که سرمایه‌هایی از قبیل نفت برای تأمین اعتبارات هزینه‌ای مصرف شده و علاوه بر آن استقراض نیز در راستای پوشاندن کسری تراز جاری به دولت کمک کرده است (امیرخانی، ۱۳۹۳). با توجه به اینکه حقوق و دستمزد و جبران خدمات، بخش شایان توجهی از اعتبارات هزینه‌ای را تشکیل می‌دهند، یکی از آسیب‌هایی که گریبان‌گیر دولت ایران است، مازاد نیرو در بخش عمومی است. برخی دستگاه‌ها ۵۰ درصد نیروی مازاد دارند. یکی از دلایل وجود نیروی مازاد در بخش عمومی، استخدام برای مقابله با بیکاری است (مشايخی، ۱۳۹۵) و یکی از تبعات مهمی که این کار به دنبال دارد، بیکاری پنهان در دستگاه‌ها و کاهش ساعت کار مفید کارکنان است (امیرخانی، ۱۳۹۵)، اما باید به این نکته توجه داشت که همه این افراد سالانه حقوق و دستمزد دریافت می‌کنند و بخش شایان توجهی از بودجه را به خود اختصاص می‌دهند؛ در حالی که برای اقتصاد کشور بازده خاصی ندارند. از این رو می‌توان اعتبارات هزینه‌ای به خصوص در بخش حقوق و دستمزد و هزینه‌ای رفاهی را از سیاهچاله‌های بودجه دانست.

در نمودار زیر نرخ رشد اعتبارات هزینه‌ای استان‌ها در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۱ داده شده است.



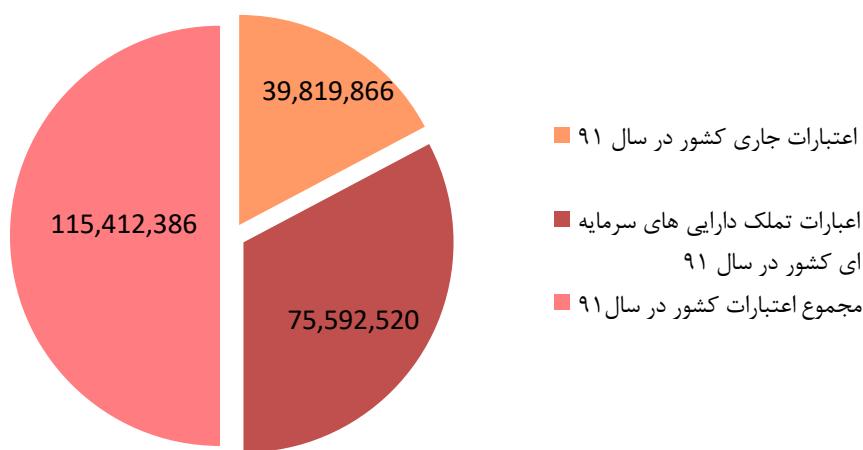
نمودار ۲. مقایسه نرخ رشد اعتبارات هزینه‌ای در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۱

میانگین رشد این نوع اعتبارات در کشور حدود ۲۲۰ درصد بوده است. بیشترین رشد اعتبارات جاری در بین استان‌های کشور مربوط به استان کهگیلویه و بویراحمد با عدد ۵۶۳ درصد است. به طوری که میزان اعتبارات جاری از رقم ۳۹۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۱ به رقم ۲۶۲۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۸ رسیده است.

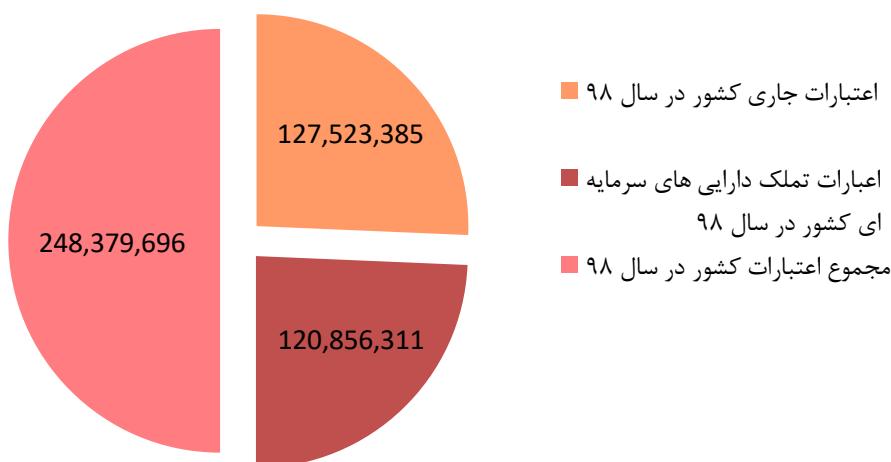
کمترین رشد اعتبارات جاری در بین استان‌های کشور مربوط به استان زنجان با عدد ۱۸۶ درصد است. به طوری که میزان هزینه‌های جاری از رقم ۸۶۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۱ به رقم ۲۴۵۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۸ رسیده است.

میزان اعتبارات جاری استان لرستان نیز با رشد ۲۴۳ درصد رشد از رقم ۱۰۹۷ میلیارد ریال در سال ۹۱ به رقم ۶۳۱۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۸ رسیده است و در رتبه ۱۴ ام استان‌های کشور قرار دارد.

۲-۶. میزان اعتبارات کشور در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۱

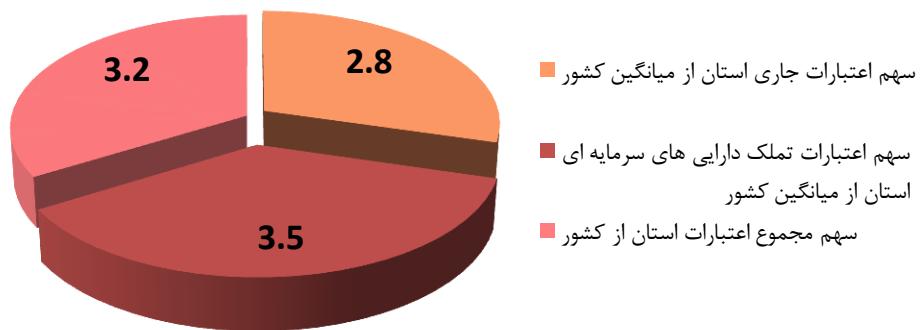


نمودار ۳. اعتبارات جاری، تملک و مجموع اعتبارات کشور در سال ۱۳۹۱

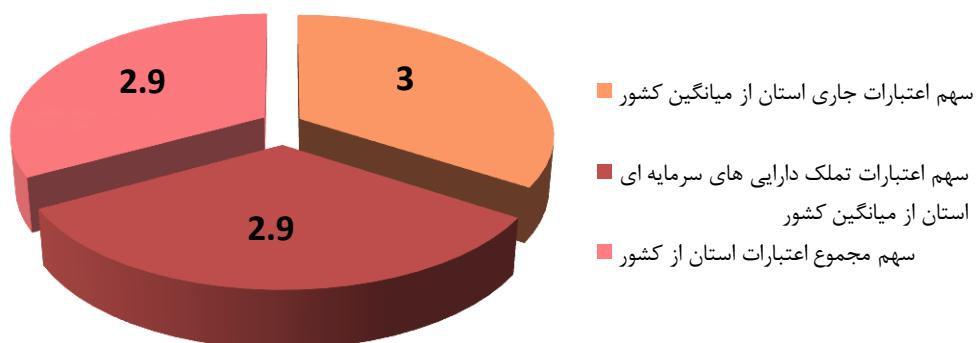


نمودار ۴. اعتبارات جاری، تملک و مجموع اعتبارات کشور در سال ۱۳۹۸

۶-۳. سهم استان از اعتبارات کل کشور



نمودار ۵. سهم استان لرستان از اعتبارات کشور در سال ۱۳۹۱



نمودار ۶. سهم استان لرستان از اعتبارات کشور در سال ۱۳۹۸

سهم اعتبارات جاری استان لرستان از میانگین اعتبارات جاری کشور از ۲.۸ درصد در سال ۱۳۹۱ با ۷.۱ درصد رشد به ۳ درصد در سال ۱۳۹۸ رسیده است، اما سهم اعتبارات تمک دارایی‌های سرمایه‌ای استان در این بازه از ۳.۵ درصد در سال ۱۳۹۱ به ۲.۹ درصد در سال ۱۳۹۸ رسیده که نشان از کاهش سهم استان دارد. به عبارتی، علاوه بر عدم تخصیص اعتبار در سالیان گذشته برای ایجاد زیرساخت‌ها و درنتیجه عقب‌ماندگی ساختاری لرستان و استان‌های مشابه، سهم این استان کاهش یافته تا روند توسعه‌نیافرگی استان‌های مورد نظر در حالتی از ابهام باشد.

مجموع سهم اعتبارات استان از اعتبارات کل کشور نیز با رشد منفی، از ۳.۲ به ۲.۹ کاهش یافته است.

۷. بررسی مقایسه‌ای شاخص‌های کلان اقتصادی استان‌های کشور

در جدول زیر به بررسی شاخص‌های کلان اقتصادی استان‌های کشور و رابطه آن با اعتبارات استانی پرداخته می‌شود.

۷-۱. نرخ بیکاری

جدول ۳. نرخ بیکاری استان‌های کشور از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ (درصد)

ردیف	استان	سال							
		۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱
	کل کشور	۱۰.۶	۱۲	۱۲.۱	۱۲.۴	۱۱	۱۰.۶	۱۰.۴	۱۲.۲
۱	آذربایجان شرقی	۹.۵	۱۰.۹	۱۰.۷	۱۰.۸	۷.۳	۷.۸	۹.۶	۱۲.۵
۲	آذربایجان غربی	۱۴.۵	۱۴.۷	۱۴.۳	۱۱	۱۰.۹	۹.۹	۹.۳	۱۱.۱
۳	اردبیل	۱۱.۵	۹.۳	۱۰.۴	۱۵.۳	۱۲.۸	۱۱.۳	۱۲.۳	۱۳.۴
۴	اصفهان	۱۰.۳	۱۳.۷	۱۴.۴	۱۴.۶	۱۳.۸	۱۲.۴	۱۰.۹	۱۳.۸
۵	البرز	۱۱.۱	۱۴.۷	۱۴	۱۴.۳	۱۲.۴	۱۱.۷	۱۰.۷	۱۴.۹
۶	ایلام	۷	۱۱.۲	۱۱.۵	۱۱.۶	۱۱.۶	۱۱.۱	۱۳.۸	۱۷.۳
۷	بوشهر	۱۰.۳	۱۰.۵	۱۱	۱۱.۳	۹.۷	۹	۹	۱۱.۷
۸	تهران	۸.۸	۱۲.۲	۱۱	۱۱.۶	۸.۱	۸.۳	۹.۹	۱۱.۶
۹	چهارمحال و بختیاری	۱۴.۵	۱۷.۴	۲۰.۸	۲۰.۲	۱۶.۴	۱۵	۱۰.۷	۱۰.۸
۱۰	خراسان جنوبی	۶	۸.۵	۱۱.۵	۱۰.۷	۸.۶	۷.۶	۸	۶.۴

جدول ۳. نرخ بیکاری استان‌های کشور از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ (درصد)

ردیف	استان	سال	زمستان ۱۳۹۸							
			۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰
۱۱	خراسان رضوی		۸.۹	۱۰.۷	۱۱.۴	۱۳.۲	۱۳.۳	۱۰.۸	۷.۹	۸.۷
۱۲	خراسان شمالی		۱۱.۲	۱۰.۴	۹.۷	۱۱.۲	۱۱.۱	۱۴.۲	۱۲.۴	۱۰.۶
۱۳	خوزستان		۱۲.۴	۱۵.۷	۱۴.۷	۱۲.۷	۱۰.۹	۹.۹	۱۳.۱	۱۲.۸
۱۴	زنجان		۹.۳	۸.۵	۱۰.۴	۹.۷	۹.۶	۹.۸	۹.۹	۱۱.۴
۱۵	سمنان		۸.۳	۷.۲	۷.۹	۸.۶	۸.۴	۱۱.۳	۷.۴	۹.۶
۱۶	سیستان و بلوچستان		۱۱.۳	۱۶	۱۲.۲	۱۲.۹	۱۱.۵	۱۰.۹	۱۱.۴	۱۰.۵
۱۷	فارس		۷.۷	۸.۹	۱۰.۸	۱۱.۴	۱۲.۱	۱۲.۴	۱۳.۳	۱۶.۸
۱۸	قزوین		۱۰.۶	۱۱	۱۰.۷	۱۱.۶	۱۱.۷	۱۱.۹	۱۰.۳	۱۲.۱
۱۹	قم		۹.۷	۱۰.۸	۱۰.۹	۱۱.۲	۱۱.۳	۹.۲	۷.۷	۱۱.۳
۲۰	کردستان		۲۰	۱۴.۶	۱۳.۷	۱۵.۲	۱۳.۳	۱۱.۶	۱۳.۶	۱۴
۲۱	کرمان		۱۰.۶	۱۱.۴	۱۱.۵	۱۱.۵	۷.۹	۶.۹	۶.۱	۷.۸
۲۲	کرمانشاه		۱۷.۹	۱۸.۷	۲۱.۶	۲۲	۱۷.۶	۱۵.۷	۱۴.۶	۱۶.۲
۲۳	کهگیلویه و بویراحمد		۱۰.۱	۱۳.۳	۱۲.۸	۱۳.۳	۱۷.۷	۱۴.۸	۱۶.۵	۱۲.۳
۲۴	گلستان		۱۲	۹.۸	۱۲.۳	۱۲.۶	۱۱.۸	۱۲.۴	۵.۸	۸.۹
۲۵	گیلان		۱۱.۹	۱۱.۴	۱۰.۷	۱۱.۳	۱۱	۱۳.۲	۱۳.۶	۱۵.۶
۲۶	لرستان		۱۶.۸	۱۳.۵	۱۲.۵	۱۳	۱۳.۳	۱۴.۹	۱۷.۷	۲۰.۲
۲۷	مازندران		۹.۳	۸.۵	۱۰	۱۱.۶	۱۲.۱	۱۲.۷	۱۱	۹.۸
۲۸	مرکزی		۶.۹	۸.۴	۹.۷	۷.۳	۷.۹	۷	۸.۶	۱۰.۴
۲۹	هرمزگان		۱۱.۹	۱۱.۲	۹	۱۰.۳	۱۱.۹	۱۰.۳	۷.۴	۱۱.۵
۳۰	همدان		۹.۳	۸.۳	۱۰.۷	۹.۵	۸.۵	۷.۷	۷.۷	
۳۱	یزد		۱۱.۶	۱۳.۹	۱۲.۸	۱۲.۸	۱۱.۲	۷.۸	۶.۵	۱۰.۲

مأخذ: مرکز آمار ایران

نرخ بیکاری برآیند وضعیت اقتصادی هر منطقه است. در جدول فوق نرخ بیکاری استان‌های

کشور طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ و زمستان ۱۳۹۸ داده شده است.

بر اساس جدیدترین گزارش مرکز آمار ایران، میانگین نرخ بیکاری کشور در فصل زمستان ۱۳۹۸، ۱۰.۶ درصد بوده است. در این فصل بالاترین نرخ بیکاری کشور مربوط به استان کردستان با ۲۰ درصد و پس از آن استان کرمانشاه با ۱۷.۸ درصد بوده و استان لرستان با نرخ بیکاری درصد در رتبه سوم بیکارترین استان‌های کشور قرار دارد.

استان خراسان جنوبی با نرخ بیکاری ۶ درصدی پایین‌ترین نرخ بیکاری کشور در فصل زمستان ۱۳۹۸ را به خود اختصاص داده و استان‌های مرکزی با ۶.۹ درصد و ایلام با ۷ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

بر اساس آمار و ارقام منتشر شده، استان لرستان طی سال‌های متولی دارای بالاترین نرخ بیکاری کشور بوده است. به عنوان نمونه در سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به ترتیب با ۲۰.۲ و ۱۷.۸ درصد دارای بالاترین نرخ بیکاری در بین استان‌های کشور بوده و در سال ۱۳۹۳ هم با ۱۴.۹ درصد بعد از استان کرمانشاه در رتبه دوم بیکارترین استان‌های کشور قرار گرفته است.

بیشترین کاهش نرخ بیکاری در یک سال گذشته هم در استان آذربایجان غربی رخ داده و نرخ بیکاری در این استان از ۱۵ درصد در تابستان ۱۳۹۷ به ۸.۷ درصد در تابستان ۱۳۹۸ کاهش یافته است.

۲-۷. درآمدهای مالیاتی

درآمد مالیاتی استان‌های کشور طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ و سهم هر یک از کل درآمدهای مالیاتی کشور، به شرح جدول زیر است.

جدول ۴. درآمد مالیاتی استان‌های کشور از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ (میلیارد ریال)

نام استان	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	نرخ رشد نسبت به ۱۳۹۰	سهم	رتیه	۱۳۹۶
	۲۲۶,۰۳۱	۲۴۵,۰۳۲	۳۶۸,۵۵۱	۵۱۷,۵۱۴	۵۸۴,۶۰۸	۶۵۱,۴۵۸	۷۷۷,۲۶۰	۲۲۱۸	-	-	۲۹۸۸
کشور											
آذربایجان شرقی	۴,۸۱۹	۶,۴۸۶	۸,۶۶۷	۱۲,۱۶۳	۱۴,۳۶۴	۱۷,۰۶۱	۱۹,۲۱۷	۲۹۸۸	۹	۹	۲۹۸۸
آذربایجان غربی	۲,۱۴۶	۲,۸۱۸	۳,۶۶۳	۴,۹۳۱	۵,۷۸۶	۷,۱۲۲	۸,۰۵۲	۲۷۵,۳	۱۶	۱۶	۲۷۵,۳
اردبیل	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۲۵۲,۱	۲۶	۲۶	۲۵۲,۱
اصفهان	۳۵,۸۵۱	۱۹,۲۳۶	۲۸,۸۳۰	۳۹,۷۳۵	۳۵,۸۱۷	۴۴,۵۳۰	۴۴,۰۳۶	۲۲۸,۳	۲	۲	۲۲۸,۳
البرز	۳,۹۷۲	۵,۲۷۹	۶,۸۳۱	۱۰,۴۵۱	۱۲,۴۳۳	۱۵,۷۸۱	۱۸,۱۰۰	۳۵۵,۷	۱۰	۱۰	۳۵۵,۷
ایلام	۶۴۹	۷۰۶	۷۸۴	۱۰,۴۵۱	۱۲,۴۳۳	۱۵,۷۸۱	۱۸,۱۰۰	۱۱۱,۸	۳۱	۳۱	۱۱۱,۸
بوشهر	۵,۰۴۸	۷,۵۶۷	۹,۵۶۴	۱۲,۶۰۴	۲۰,۵۷۵	۲۰,۴۸۱	۱۹,۹۹۰	۲۴۱,۸	۶	۶	۲۴۱,۸
تهران	۱۰۱,۷۳۱	۱۲۵,۲۲۵	۲۰,۱,۶۷۸	۲۷۵,۸۷۱	۳۰,۶,۰۰۰	۳۲۲,۷۹۳	۳۶۵,۳۴۷	۲۵۹,۱	۱	۱	۲۵۹,۱
چهار محال و بختیاری	۶۷۳	۸۳۴	۱,۰۸۹	۱,۳۴۵	۱,۵۷۴	۲,۰۵۰	۲,۴۱۵	۲۵۸,۹	۲۹	۲۹	۲۵۸,۹
خراسان جنوبی	۵۶۰	۶۵۴	۹۱۶	۱,۴۴۷	۱,۷۷۱	۲,۳۰۲	۲,۴۱۰	۲۲۰,۴	۲۷	۲۷	۲۲۰,۴
خراسان رضوی	۴,۸۲۴	۹,۰۳۳	۱۱,۶۹۴	۱۶,۸۶۹	۱۹,۵۴۱	۲۲,۸۴۵	۲۵,۲۰۳	۴۲۲,۵	۴	۴	۴۲۲,۵
خراسان شمالی	۷۶۲	۱,۰۳۷	۱,۳۱۲	۱,۳۱۲	۱,۸۵۰	۱,۹۶۵	۲,۱۲۰	۱۷۸,۳	۳۰	۳۰	۱۷۸,۳
خوزستان	۸,۱۵۶	۱۱,۰۵۵	۱۵,۸۱۴	۲۵,۲۶۹	۳۲,۶۱۲	۴۱,۵۴۳	۴۰,۹۴	۴۰,۹۴	۳	۳	۴۰,۹۴
زنجان	۱,۵۲۴	۲,۰۸۶	۳,۱۰۴	۴,۴۵۱	۵,۰۳۲	۶,۳۲۸	۷,۹۱۱	۴۱۹,۱	۱۷	۱۷	۴۱۹,۱
سمنان	۱,۷۵۹	۱,۳۳۷	۲,۲۶۸	۲,۷۳۹	۳,۱۷۰	۳,۸۳۲	۴,۳۱۳	۱۶۰,۳	۲۳	۲۳	۱۶۰,۳
سیستان و بلوچستان	۳,۵۳۰	۱,۷۱۷	۲,۲۰۱	۵,۰۵۲	۵,۳۸۹	۴,۱۹۷	۴,۶۸۱	۳۲,۰۹	۲۰	۲۰	۳۲,۰۹
فارس	۴,۶۲۸	۵,۸۴۲	۸,۵۵۴	۱۲,۳۸۶	۱۷,۶۹۲	۱۸,۵۹۴	۲۰,۱۸	۲۰,۱۸	۸	۸	۲۰,۱۸
قزوین	۲,۸۳۰	۳,۶۱۸	۵,۱۲۵	۷,۱۲۸	۸,۸۰۵	۱۱,۲۷۳	۱۲,۵۷۲	۳۷۷,۳	۱۳	۱۳	۳۷۷,۳
قم	۲,۲۲۰	۱,۶۳۵	۲,۲۳۹	۳,۳۲۹	۳,۷۴۷	۵,۱۲۳	۵,۷۰۷	۱۵۷	۱۹	۱۹	۱۵۷
کردستان	۱,۰۶۷	۱,۶۴۱	۱,۷۱۶	۲,۲۶۹	۲,۷۳۷	۳,۱۷۰	۴,۱۹۶	۲۲۲,۷	۲۴	۲۴	۲۲۲,۷
کرمان	۵,۵۰۲	۷,۵۱۶	۱۰,۵۷۷	۱۴,۹۷۷	۱۵,۹۸۹	۲۱,۸۸۸	۲۶,۶۶۲	۳۸۴,۵	۵	۵	۳۸۴,۵
کرمانشاه	۱,۵۹۶	۱,۵۹۶	۱,۵۹۶	۱,۹۴۱	۴,۴۰۴	۵,۱۳۱	۴,۵۴۱	۱۸۴,۵	۱۸	۱۸	۱۸۴,۵
کهگیلویه و بویراحمد	۹۶۰	۱,۱۶۶	۱,۱۲۳	۱,۲۹۷	۱,۶۳۷	۲,۰۰۷	۲,۵۰۸	۱۶۱,۳	۲۸	۲۸	۱۶۱,۳
گلستان	۹۹۷	۱,۳۱۱	۱,۶۰۷	۲,۲۷۱	۲,۶۵۵	۳,۹۵۵	۴,۴۹۶	۳۵۱,۲	۲۲	۲۲	۳۵۱,۲
گیلان	۲,۶۵۷	۳,۳۴۵	۴,۵۲۲	۶,۱۱۷	۷,۲۰۸	۸,۱۷۰	۹,۱۴۰	۲۲۳,۹	۱۵	۱۵	۲۲۳,۹
لرستان	۱,۲۰۴	۱,۴۶۵	۱,۹۱۹	۲,۲۹۵	۲,۷۱۳	۳,۴۰	۳,۳۷۷	۱۸۰,۶	۲۵	۲۵	۱۸۰,۶
مازندران	۳,۲۷۷	۴,۶۵۲	۶,۲۷۵	۸,۰۵۴	۹,۳۴۴	۱۱,۲۱۲	۱۲,۵۹۳	۲۸۴,۳	۱۴	۱۴	۲۸۴,۳
مرکزی	۳,۰۳۸	۵,۷۱۰	۷,۲۴۵	۱۱,۴۴۷	۱۳,۱۰۴	۱۳,۱۹۶	۱۴,۷۷۴	۲۸۴,۹	۱۱	۱۱	۲۸۴,۹

ادامه جدول ۴. درآمد مالیاتی استان‌های کشور از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ (میلیارد ریال)

نام استان	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	نرخ رشد به ۱۳۹۰	رتیه سهم
هرمزگان	۳,۲۶۵	۴,۰۶۴	۸,۴۰۸	۱۳,۹۳۴	۱۹,۰۹۸	۲۱,۵۹۹	۵۶۱,۵	۷	۲,۶
همدان	۱,۳۵۶	۱,۷۱۳	۲,۳۴۳	۳,۰۸۳	۳,۵۰۶	۴,۰۵۳	۴,۵۹۲	۲۱	۰,۶
بزد	۲,۹۴۳	۳,۸۰۱	۵,۶۵۵	۹,۱۰۵	۸,۶۹۴	۱۲,۰۹۴	۱۲,۸۲۲	۱۲	۱,۷

مأخذ: سالنامه آماری کشور

مجموع درآمدهای مالیاتی کشور از ۲۲۶.۰۳۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۰ با ۲۲۰ درصد رشد به ۷۲۳۷۶۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۶ رسیده است. در سال مذکور بالاترین سهم درآمدهای مالیاتی استان‌های کشور به ترتیب مربوط به استان‌های تهران، اصفهان و خوزستان بوده است. این سه استان به تنهایی حدود ۵۶ درآمدهای مالیاتی کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

پایین‌ترین سهم درآمدهای مالیاتی به ترتیب مربوط به استان‌های ایلام، خراسان شمالی و چهارمحال و بختیاری است که تنها ۰.۸ درصد درآمدهای مالیاتی کشور از این سه استان تأمین می‌شود. از طرفی ۱۵ استان کمتر توسعه یافته کشور شامل (زنجان، کرمانشاه، قم، سیستان و بلوچستان، همدان، گلستان، سمنان، کردستان، لرستان، اردبیل، خراسان جنوبی، کهگیلویه و بویر احمد، چهارمحال و بختیاری، خراسان شمالی، ایلام) ۹.۳ درصد درآمدهای مالیاتی کشور را ایجاد می‌کنند که حکایت از کمبود تولید در این استان‌ها و درنتیجه کاهش شدید درآمدهای مالیاتی دارد. این وضعیت نیز حاکی از تفاوت درجه توسعه یافته‌گی استان‌های برخوردار و محروم و بیانگر عدم وجود توازن و تعادل منطقه‌ای است و می‌تواند نقش توزیع اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در توسعه یافته‌گی را تبیین کند.

بالاترین رشد درآمدهای مالیاتی استان‌های کشور در سال ۱۳۹۶ نسبت به سال ۱۳۹۰ مربوط به استان هرمزگان با ۵۶۱ درصد و پس از آن استان خوزستان با ۴۰.۹ درصد بوده و همچنین، کمترین رشد درآمدهای مالیاتی در بازه مذکور مربوط به استان سیستان و بلوچستان با ۳۲ درصد است.

مجموع درآمدهای مالیاتی استان لرستان از ۱۲۰۳۵۴۳ میلیون ریال در سال ۱۳۹۰ با ۱۸۰ درصد رشد به ۳۳۷۷۳۲۴ میلیون ریال در سال ۱۳۹۶ رسیده که از میانگین رشد کشوری حدود ۴۰ درصد پایین‌تر است. این استان ۰.۴ درصد درآمدهای مالیاتی کشور را به خود اختصاص داده و در رتبه ۲۵ ام استان‌های کشور قرار دارد.

عدم اختصاص بودجه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به استان‌های محروم و درنتیجه عدم سرمایه‌گذاری دولت در زمینه ایجاد زیرساخت در این استان‌ها در سال‌های قبل، باعث شده تا نتیجه این اقدام ناعادلانه در یک چرخه ضرر به دولت برگردد و به ناچار با مشکلات ناشی از این معضل دست و پنجه نرم کند؛ چرا که با وجود تحریم‌های بین‌المللی و کاهش شدید درآمدهای نفتی تنها راه دولت برای جبران کسری بودجه افزایش درآمدهای مالیاتی است که نمی‌توان امیدی به استان‌های کمتر توسعه یافته در این زمینه داشت؛ لذا باید از مشکلات گذشته عبرت گرفته و ضمن توجه به عدالت و توازن منطقه‌ای در توزیع اعتبارات، نسبت به جبران عقب‌ماندگی لرستان و استان‌های مشابه اقدام کرد.

۳-۷. تولید ناخالص داخلی

جدول ۵. تولید ناخالص داخلی بدون نفت (به قیمت بازار) استان‌های کشور طی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۵ (میلیارد ریال)

استان	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	در سال	۱۳۹۵	سهم	رنج روشن	استان‌ها	سال	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	رنج در	
۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	
کشور	۶,۶۲۵,۷۸۸	۹,۰۳۹,۱۱۱	۱۰,۳۷۸,۸۰۲	۱۰,۸۶۷,۵۰۶	۱۲۸,۰۳,۲۲۳	۱۷۸	-									
مرکزی	۱۴۱,۵۰۸	۱۸۳,۸۹۰	۲۱۸,۱۹۱	۲۳۱,۵۲۱	۲۶۵,۶۱۵	۲۱.۷	۱۵	۲.۱	۲.۱	۱۴.۷	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵
گیلان	۱۵۷,۹۶۸	۲۲۲,۷۲۵	۲۸۴,۴۱۳	۲۸۱,۴۱۵	۲۴۴,۳۲۳	۲۲.۴	۱۱	۲.۷	۲.۷	۲۲.۴	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵
مازندران	۲۴۶,۹۳۸	۳۳۹,۳۷۷	۳۸۹,۰۱۴۴	۴۲۳,۱۹۹	۵۱۱,۳۳۰	۱۷.۵	۷	۴.۰	۴.۰	۱۷.۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵
آذربایجان شرقی	۲۶۶,۱۸۷	۳۴۷,۹۸۷	۴۰۴,۱۱۳	۴۲۸,۶۶۷	۵۰۹,۶۵۰	۱۸.۹	۸	۴.۰	۴.۰	۱۸.۹	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵
آذربایجان غربی	۱۵۶,۱۴۷	۲۲۳,۲۰۰	۲۵۱,۷۷۵	۲۷۴,۳۳۷	۳۱۸,۵۳۴	۱۶.۱	۱۲	۲.۵	۲.۵	۱۶.۱	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵
کرمانشاه	۱۱۱,۳۶۱	۱۴۹,۵۸۰	۱۸۵,۴۷۶	۱۸۸,۴۷۲	۲۱۵,۷۶۷	۱۴.۵	۱۷	۱.۷	۱.۷	۱۴.۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵
خوزستان	۳۷۰,۷۵۰	۴۶۸,۵۲۰	۵۶۲,۸۴۹	۵۸۳,۳۱۷	۶۶۰,۰۱۳۲	۱۳.۲	۵	۰.۲	۰.۲	۱۳.۲	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵
فارس	۳۷۸,۵۷۲	۵۱۲,۰۱۸	۵۷۶,۲۸۸	۵۷۵,۹۱۲	۶۹۳,۸۶۰	۲۰.۵	۴	۰.۴	۰.۴	۲۰.۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵
کرمان	۲۵۵,۲۰۸	۳۲۲,۵۹۵	۴۶۲,۲۲۱	۴۶۶,۰۲۹	۴۷۷,۰۳۲	۱۹.۳	۹	۰.۴	۰.۴	۱۹.۳	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵
خراسان رضوی	۳۹۶,۱۷۷	۵۴۷,۶۶۲	۶۳۹,۷۱۶	۶۸۰,۰۲۸	۷۶۹,۰۷۳۶	۱۱.۹	۳	۰.۰	۰.۰	۱۱.۹	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵
اصفهان	۴۳۰,۶۱۴	۶۰۹,۳۲۱	۶۷۸,۰۶۱	۶۹۴,۰۱۶۵	۸۲۶,۹۱۶	۱۹.۱	۲	۰.۵	۰.۵	۱۹.۱	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵
هرمزگان	۱۵۷,۲۰۹	۲۰۵,۳۰۲	۲۲۸,۲۰۵	۲۵۲,۸۱۴	۲۷۸,۲۳۰	۱۰.۰	۱۳	۰.۲	۰.۲	۱۰.۰	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵
سیستان و بلوچستان	۱۰۱,۱۶۱	۱۳۲,۴۲۹	۱۵۹,۰۱۷	۱۷۲,۳۶۴	۲۰۵,۶۰۹	۱۹.۳	۱۸	۰.۶	۰.۶	۱۹.۳	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵
کردستان	۷۲۴,۳۰۱	۹۹,۲۶۸	۱۱۴,۲۲۲	۱۲۱,۵۰۸	۱۴۹,۶۱۳	۲۲.۱	۲۴	۱.۲	۱.۲	۲۲.۱	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵
همدان	۱۰۰,۶۳۰	۱۳۹,۸۵۹	۱۶۵,۷۵۴	۱۶۵,۵۶۰	۱۹۷,۳۹۲	۱۹.۲	۱۹	۰.۵	۰.۵	۱۹.۲	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵	۱۳۹۵

۱۵. جدول ۵. تولید ناخالص داخلی بدون نفت (به قیمت بازار) استان‌های کشور طی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۵ (میلیارد ریال)

رتبه در سال ۱۳۹۵	سهم استان‌ها در سال ۱۳۹۵	نرخ رشد سال ۱۳۹۵	نرخ رشد سال ۱۳۹۵					استان ۱۳۹۱
			۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	
۲۱	۱.۴	۱۶.۸	۱۷۴,۶۲۸	۱۴۹,۵۰۷	۱۳۴,۳۱۴	۱۲۲,۴۲۹	۸۸,۶۹۰	لرستان
۳۱	۰.۶	۱۸.۲	۷۵,۰۵۵	۶۳,۵۱۰	۶۵,۷۳۹	۵۶,۱۷۱	۴۳,۴۷۳	ایلام
۲۲	۱.۲	۲۰.۸	۱۵۴,۱۱۸	۱۲۷,۶۲۸	۱۰۸,۵۶۱	۹۶,۸۱۱	۷۲,۰۰۰	زنجان
۲۷	۰.۸	۱۲.۳	۹۶,۱۷۳	۸۵,۶۷۳	۷۵,۷۶۶	۶۶,۱۱۴	۵۲,۲۵۹	چهارمحال و بختیاری
۲۸	۰.۶	۱۶.۰	۸۰,۰۲۸	۶۹,۱۹۸	۶۱,۶۰۷	۵۱,۲۷۷	۳۷,۸۱۲	کهگیلویه و بویر احمد
۲۶	۱.۱	۲۷.۸	۱۴۲,۵۱۹	۱۱۱,۴۷۴	۱۰۱,۵۷۰	۹۲,۲۵۱	۶۹,۹۶۰	سمنان
۱۴	۲.۱	۱۴.۷	۲۶۶,۳۱۳	۲۲۲,۲۲۷	۲۲۱,۲۹۵	۱۹۷,۵۶۲	۱۵۰,۰۶۹	یزد
۶	۵.۰	۴۶.۷	۶۴۲,۰۳۵	۴۳۸,۲۲۹	۵۴۸,۴۵۰	۵۰۲,۰۶۹	۲۸۱,۳۵۸	بوشهر
۱	۲۷.۰	۱۶.۶	۳,۴۵۵,۰۰۶	۲,۹۶۲,۴۷۲	۲,۷۷۲,۳۷۶	۲,۴۳۹,۲۸۵	۱,۸۲۲,۷۰۳	تهران
۲۵	۱.۱	۱۱.۳	۱۴۶,۸۲۰	۱۳۱,۹۴۸	۱۲۶,۳۳۵	۱۰۸,۹۵۹	۷۶,۲۰۹	اردبیل
۲۳	۱.۲	۱۸.۲	۱۵۳,۳۲۳	۱۲۹,۷۷۶	۱۱۴,۴۶۶	۱۰۲,۴۲۲	۷۸,۴۲۲	قم
۱۶	۲.۰	۱۳.۷	۲۵۱,۹۴۱	۲۲۱,۶۷۳	۱۹۳,۴۷۷	۱۶۶,۳۰۶	۱۲۰,۴۱۷	قزوین
۲۰	۱.۵	۲۰.۸	۱۹۴,۸۱۳	۱۶۱,۲۳۰	۱۴۶,۸۰۵	۱۲۰,۳۹۹	۸۶,۶۵۹	گلستان
۲۹	۰.۶	۱۶.۲	۷۹,۷۸۴	۶۸,۶۵۹	۷۲,۲۷۹	۵۹,۴۳۴	۴۲,۵۲۴	خراسان شمالی
۳۰	۰.۶	۱۵.۹	۷۶,۸۹۲	۶۶,۳۵۷	۵۹,۱۰۸	۴۸,۱۷۵	۲۶,۳۹۸	خراسان جنوبی
۱۰	۳.۳	۱۰.۲	۴۲۵,۷۳۱	۳۸۶,۴۰۷	۳۴۴,۴۹۵	۲۹۴,۴۴۲	۲۱۷,۱۹۳	البرز

مأخذ: خزانه معین استان

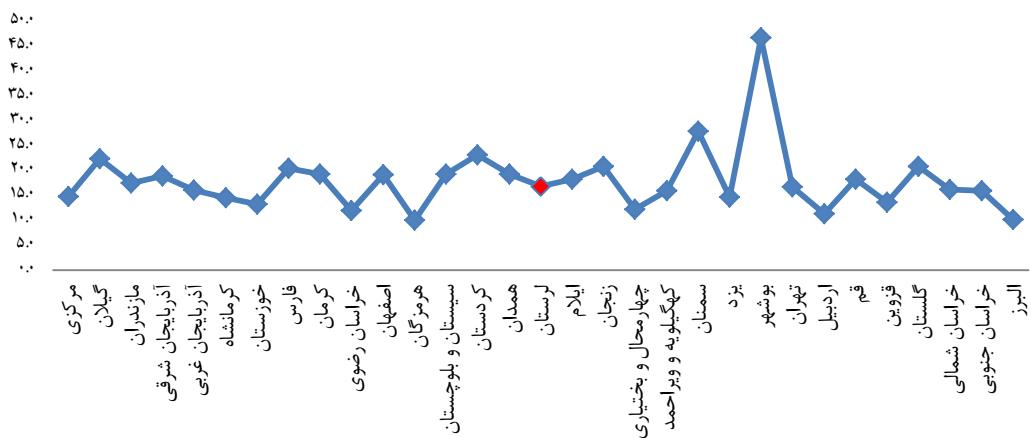
تولید ناخالص داخلی (بدون نفت) کشور به قیمت بازار از رقم ۱۰۸,۶۷۵,۰۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۴، با ۱۷.۸ درصد افزایش به رقم ۱۲۸,۰۳۲,۲۲۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۵ رسیده است. بالاترین تولید ناخالص داخلی استان‌های کشور مربوط به استان‌های تهران، اصفهان و خراسان رضوی است و این سه استان به ترتیب ۳۹.۵ درصد تولید ناخالص داخلی کشور را در اختیار دارند. در حالی که استان کمتر توسعه یافته کشور شامل (ایلام، کهگیلویه و بویر احمد، زنجان، چهارمحال و بختیاری، سمنان، اردبیل، قم، گلستان، خراسان شمالی، خراسان جنوبی و کردستان) فقط ۱۰.۴ درصد تولید ناخالص داخلی کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

پایین‌ترین تولید ناخالص داخلی استان‌های کشور به ترتیب مربوط به استان‌های ایلام، خراسان جنوبی و خراسان شمالی است که در رتبه‌های ۲۹ تا ۳۱ کشور قرار دارند. سهم این سه استان از

تولید ناخالص داخلی کشور ۱۸ درصد است و استان‌های مذکور جزو محروم‌ترین استان‌های کشور هستند.

تولید ناخالص داخلی استان لرستان به قیمت بازار از رقم ۱۵۲۴۷۵ میلیون ریال در سال ۱۳۹۴، با ۱۲ درصد افزایش به رقم ۱۷۷۷۶۰ میلیون ریال در سال ۱۳۹۵ رسیده و در رتبه ۲۲ استان‌های کشور قرار دارد.

در نمودار زیر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی استان‌های کشور به قیمت بازار در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۴ نشان داده شده است.



بررسی انجام شده نشان می‌دهد که استان‌های محروم از زیرساخت‌های لازم، به علت عدم تمايل بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در این استان‌ها و درنتیجه فقدان کارخانه‌های تولیدی و عدم شکل‌گیری زنجیره تولید، دارای تولید ناخالص داخلی کمتری نسبت به استان‌های برخوردار بوده و سهم ناچیزی از تولید ناخالص داخلی کشور را به خود اختصاص داده‌اند. این موضوع ارتباط مستقیمی با عدم رعایت تعادل منطقه‌ای در توزیع اعتبارات بودجه‌ای و بهویژه اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای بین استان‌های کشور طی سالیان متعددی دارد و به صورت مشخص این معضل خود را در شاخص‌های کلان اقتصادی استان‌ها نشان داده و این استان‌ها را در جرگه استان‌های محروم و کمتر توسعه یافته کشور قرار می‌دهد.

به تبع پایین بودن تولید ناخالص داخلی استان‌های کمتر توسعه یافته، سطح درآمد سرانه این استان‌ها پایین است. پایین بودن سطح درآمد سرانه و در عین حال ساختار جوان جمعیت و نرخ بالای یکاری و بالا بودن بار تکفل خانوار، تناسب درآمد و هزینه خانوارها را برابر هم زده، به گونه‌ای که درآمد پایین موجب پایین بودن سطح پس‌انداز، پس‌انداز پایین موجب کمبود منابع بانکی، کمبود منابع بانکی موجب کمبود منابع مالی سرمایه‌گذاری، کمبود منابع مالی سرمایه‌گذاری موجب کاهش سطح سرمایه‌گذاری و کاهش سرمایه‌گذاری موجب کاهش مجدد درآمد و تداوم دور تسلیل توسعه‌نیافتگی شده است.

۸. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۱-۸. نتیجه‌گیری

رشد، توسعه اقتصادی و توزیع عادلانه منابع همواره یکی از اهداف مهم کشورها محسوب می‌شوند و تحقق آن مستلزم درونی‌سازی توسعه و همچنین توسعه پایدار کلیه مناطق یک کشور بر پایه ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های آن منطقه است.

ایجاد تعادل بین مناطق مختلف کشور از نظر سطح توسعه، در چند دهه اخیر متخصصان، پژوهشگران و برنامه‌ریزان حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی را به انحصار مختلف به خود مشغول ساخته و نمودهای آن در برنامه‌های توسعه کشور قابل مشاهده است.

یکی از مهم‌ترین ابزارهای دولت‌ها برای ایجاد توازن منطقه‌ای و تحقق توسعه منطقه‌ای در گستره سرزمینی هر کشور، استفاده از ابزار بودجه و نحوه تخصیص آن بین مناطق است. از این‌رو، سرمایه‌گذاری‌های دولت در اقتصاد ایران در قالب تخصیص اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و نحوه توزیع این منابع در بین استان‌ها از مسائل مهم در اقتصاد ایران است.

در تحقیق حاضر به بررسی رابطه تعادل منطقه‌ای در تخصیص اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و متغیرهای کلان اقتصادی از جمله تولید ناخالص داخلی، درآمدهای مالیاتی و نرخ بیکاری استان‌های کشور پرداخته شد. نتایج حاصل شده نشان می‌دهد:

- مجموع اعتبارات جاری و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای کشور از مبلغ ۱۱۵۱۱۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۱ با ۱۱۵ درصد رشد به رقم ۲۴۸۳۸۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۸ افزایش یافته است.

در بازه زمانی مذبور اعتبارات جاری کشور با رشد ۲۲۰ درصدی از ۳۹.۸۲۰ میلیارد ریال به رقم

۱۲۷.۵۲۳ میلیارد ریال افزایش یافته، اما میزان اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای کشور تنها ۶۰ درصد رشد داشته و از مبلغ ۷۵۵۹۳ میلیارد ریال به مبلغ ۱۲۰۸۵۶ میلیارد ریال در سال ۹۸ رسیده است؛

- اعتبارات جاری ۱۰۰ درصد و بالاتر از ۱۰۰ درصد (با در نظر گرفتن آیتم کسری در پایان سال مالی) اعتبارات مصوب تخصیص یافته است؛
- اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مصوب، به صورت ۱۰۰ درصدی تخصیص نیافته است؛
- اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای برای پوشش کسری بودجه جاری و پرداخت حقوق و جبران خدمات کارکنان استفاده شده است؛
- اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به صورت اوراق خزانه اسلامی بوده که سبب تطویل ایجاد پروژه‌های عمرانی در تمام استان‌های کشور شده است، اما با توجه به اینکه پروژه‌های استان‌های کمتر توسعه یافته، پروژه‌های زیرساختی و نیازهای اولیه استان‌ها هستند، کاهش اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در کاهش رشد اقتصادی این استان‌ها محسوس‌تر است؛
- ۱۱ استان کمتر توسعه یافته شامل ایلام، کهگیلویه و بویر احمد، زنجان، چهارمحال و بختیاری، سمنان، اردبیل، قم، گلستان، خراسان شمالی، خراسان جنوبی و کردستان که در سال‌های پس از انقلاب اسلامی اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای کمتری به آن‌ها اختصاص داده شده، فقط ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی و ۶ درصد درآمدهای مالیاتی کشور را دارند. در مقابل سه استان توسعه یافته شامل تهران، اصفهان و خراسان رضوی ۳۹.۵ درصد تولید ناخالص داخلی و ۵۶ درصد درآمدهای مالیاتی کشور را ایجاد کرده‌اند؛ که اثر توزیع اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای بر شاخص‌های اقتصادی و توسعه‌ای و همچنین عدم وجود توازن منطقه‌ای را آشکار می‌سازد.

یکی از دلایل عدم وجود توازن منطقه‌ای در کشور و فاصله زیاد استان‌های بروخوردار و کمتر بروخوردار، از آنجا ناشی شده است که دولت‌ها زیرساخت‌های استان‌های توسعه یافته‌تر کنونی در دهه‌های گذشته را ایجاد و انگیزه بالاتری برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی داخلی و خارجی در آن‌ها فراهم کرد که خود موجب درآمد بالاتر، هم‌افزایی عوامل تولید و شکل‌گیری سیکل‌های توسعه‌ای در این استان‌ها شده است؛

- نحوه توزیع بودجه و کسری‌های آن، این شایه ایجاد می‌کند که نهاد دولت فاقد نگاه بلندمدت و دیدگاه توسعه منطقه‌ای بوده و اساساً بودجه عمرانی را غیرواقعی تنظیم می‌کند؛
- در اقتصاد ایران اهداف کلان اقتصادی مانند تعادل منطقه‌ای جهت تحقق اهداف کوتاه‌مدت از جمله تأمین و افزایش بودجه جاری، نادیده گرفته شده است. در کشور، استان‌هایی مانند لرستان که در دولت‌های گذشته زیرساخت‌های لازم سرمایه‌گذاری در آن‌ها شکل نگرفته است، در حال حاضر و با کاهش شدید اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای آسیب بیشتری دیده و ادامه روند مذکور و عدم بسترسازی دولت و سرمایه‌گذاری در این استان‌ها موجب تداوم سطوح پایین درآمدی و نرخ بیکاری بالا، تشديد بزهکاری‌های اجتماعی و تقویت و تداوم مدارهای توسعه‌نیافنگی خواهد شد. یکی از این راهکارهای حل این معضل واگذاری پروژه‌های عمرانی به بخش خصوصی در قالب مشارکت عمومی و خصوصی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی است؛ که البته استان‌های کمتر توسعه‌یافته نظیر لرستان به دلیل عدم وجود زیرساخت‌های مناسب، عدم شکل‌گیری زنجیره‌های تولیدی و خوش‌های صادراتی، کمبود منابع مالی و اعتباری جهت پرداخت تسهیلات به سرمایه‌گذاران و همچنین در نظر نگرفتن معافیت‌ها و مشوق‌های ویژه جهت جذب سرمایه‌گذاران در این استان‌ها، علی‌رغم برخورداری از منابع طبیعی و موهبت‌های خدادادی اقبالی برای جلب توجه بخش خصوصی اعم از داخلی و خارجی ندارد. لذا استفاده از ظرفیت مشارکت عمومی- خصوصی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز به تنها‌یی کمکی به رفع عدم تعادل‌های منطقه‌ای در ایران نمی‌کند و باستی راهکارهای دیگری پیشنهاد شود.

۲-۸. پیشنهادها

- پیشنهادهای زیر جهت جلوگیری از ادامه روند توسعه‌نیافنگی استان‌های کمتر توسعه‌یافته و برقراری عدالت منطقه‌ای ارائه می‌شود:
- به مدت ۱۰ سال، سه درصد (۳٪) از درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام و میانات گازی خالص و صادرات گاز طبیعی به مناطق و شهرستان‌های کمتر توسعه‌یافته جهت اجرای برنامه‌های عمرانی در قالب بودجه‌های سنتی با تصویب شورای برنامه‌ریزی و توسعه این استان‌ها اختصاص یابد؛

- لیست مناطق محروم و شهرستان‌های کمتر توسعه یافته موضوع مصوبه شماره ۳۶۰۹۵ ت/۷۶۲۵۴
- ه مورخ ۱۳۸۸/۴/۱۰ بر اساس شاخص‌های واقعی مورد بازنگری قرار گیرد؛
- از ورود ملاحظات سیاسی و انتخاباتی و همچنین تعلقات سیاسی و حزبی مسئولین استانی که موجب اختلال در مباحث کارشناسی و اقتصادی توزیع و تخصیص بودجه‌های استانی می‌شوند، جلوگیری شود؛
- از روش‌های نوین بودجه‌ریزی و به کارگیری افراد متخصص و با تجربه در این زمینه استفاده شود تا کلیه جوانب سیاست‌های اتخاذ شده در نحوه تخصیص بودجه بررسی و اثر آن بر متغیرهای کلان اقتصادی و تعادل و توسعه منطقه‌ای به درستی پیش‌بینی شود؛
- دولت جهت ایجاد زیرساخت در استان‌های کمتر توسعه یافته سهم اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (عمرانی) استانی، این استان‌ها را برای مدت ۵ سال متوالی به میزان حداقل سه برابر سهم سالانه بر اساس پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های هر استان افزایش دهد تا در این مدت زیرساخت‌های لازم از محل افزایش مذکور جهت سرمایه‌گذاری در این استان‌ها فراهم آمده و فاصله این استان‌ها با استان‌های برخوردار از این حیث به حداقل ممکن برسد؛
- دولت سهم منابع مصرفی بانک‌های استان‌های کمتر توسعه یافته را از محل وجوده اداره شده به میزان ۳ برابر و از محل منابع در اختیار بانک مرکزی به میزان ۲ برابر جمعاً به میزان ۵ برابر منابع موجود هرسال برای تأمین منابع مالی بانک‌های استان‌های فوق الذکر جهت پشتیبانی و حمایت از فعالیت‌های تولیدی افزایش دهد؛
- وزارت امور اقتصادی و دارایی به منظور ترغیب و تشویق به سرمایه‌گذاری، درآمد مشمول مالیات ابرازی ناشی از فعالیت‌های تولیدی در بخش‌های تعاونی و خصوصی که برای آن‌ها در استان‌های مذکور پروانه بهره‌برداری صادر می‌شود، از تاریخ شروع به بهره‌برداری به مدت ۱۰ سال از مالیات معاف کند.

منابع

- جدیدی میاندشتی، مهدی (۱۳۸۳). «توزیع متعادل منابع مالی به روشن سطح بندی توسعه مناطق». *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*. دوره ۴. شماره ۱۱ و ۱۲. صص ۱۳۰-۱۰۷.
- حقیقت، جعفر و فازیلا، محرم جودی (۱۳۹۵). «تأثیر شوک مخارج دولتی بر رشد تولید ناخالص داخلی در ایران: رهیافت ARDL». *فصلنامه مدلسازی اقتصادی*. دوره ۱۰. شماره ۳۶. صص ۱۶۶-۱۴۱.
- دلاوری، مجید و سجاد بصیر (۱۳۹۰). «تأثیر بی‌ثباتی اقتصادی و کسری (مازاد) بودجه بر رشد اقتصادی ایران». *نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*. شماره ۲۸۶. صص ۳۱۱-۳۰۰.
- رجبی، احمد (۱۳۹۱). «برنامه ریزی آرمانی، رویکردی اثربخش در بودجه ریزی و تخصیص بهینه مالی (مطالعه موردی: تخصیص بودجه وزارت بهداشت و درمان به استان‌های کشور)». *فصلنامه حسابداری سلامت*. دوره ۱. شماره ۲ و ۳. صص ۱-۱۷.
- غلامی، الهام و کامبیز، هژب‌کیانی (۱۳۹۳). «بررسی موقعیت چرخه تجاری در ایران و تأثیر آن بر کارایی برنامه‌های محرک مالی و سرمایه‌گذاری». *فصلنامه دانش سرمایه‌گذاری*. دوره ۳. شماره ۱۲. صص ۱-۳۳.
- محنت‌فر، یوسف (۱۳۹۴). «بررسی اثر مخارج دولت بر سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران». *نظریه‌های کاربردی اقتصاد*. دوره ۲. شماره ۱. صص ۱۶۲-۱۴۳.
- منظری حصار، مهدی و علی محقق (۱۳۸۱). «به کارگیری الگویی برای تخصیص اعتبارات محرومیت‌زدایی». *مجله برنامه‌ریزی و بودجه*. شماره ۹۱. صص ۹۰-۶۹.
- AbdRahma, N. (2012). “The Relationship between Budget Deficit and Economic Growth from Malaysian Perspective: An ARDL Approach”. *International Conferences ON ECONOMICS*. Vol. 38. Pp. 54-58.
- Les smann .C. & Kasler. A. (2009). “Interregional Redistribution and Regional Disparities How Equalization does (not) Work”. *Annual Conference of the German Economic Association*. Retrieved from:<http://econspaper.repec.org>.
- Sabra, M.M. (2016). “Government Size, Openness and Economic Growth in MENA Countries”. *International Journal of Business and Economic Sciences Applied Research*. Vol. 9(1). PP. 39-45.

- Sol é Ollé, Albert (2009). "Inter-regional Redistribution In through Tactical or Programmatic? *Universitat de Barcelona Instituted Economic de Barcelona (IEB)*". Retrieved from: www.elsevier.com.
- Ya mano N. & Ohkawara, T. (2000). "The Regional Allocation of Public Investment; Efficiency or Equity?". *Journal of Regional Scinence*. Vol. 40(2). PP. 229-205.